



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

187

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

1389 دیماه 16 - 2010 ژانویه 26

چهارشنبه ها منتشر میشود

e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

سر دبیر: سیاوش دانشور

## تونس: تحولات حاضر، چشم انداز آتی، امیدها و مخاطرات

با هیات دائر دفتر سیاسی حزب

صفحه 4

علی جوادی، آذر ماجدی، سیاوش دانشور



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## تونس: کدام آینده؟

سرمایه داری یا سوسیالیسم؟

بدون تردید در دنیای بحران زده سرمایه داری امروز و مشقاتی که بر میلیاردها انسان زحمتکش تحمیل میکند، تحولات سیاسی تونس نوری در تاریکی و امیدی به ممکن بودن یک آینده بهتر است. تحولات در تونس ایدا "تونس" نخواهد ماند و تاکنون بمثابه یک چاشنی انفجاری در کشورهای آفریقا و خاورمیانه عمل کرده و تأثیرات بلافصل خود را بجا گذاشته است. آینده تونس اما در کشمکش وسیع طبقاتی ای تعیین خواهد شد که فی الحال نیروهای متخاصم این کشمکش در ابعاد جهانی و منطقه ای و کشوری در مقابل هم صف کشیده اند. نیروهائی که از یکسو برای حفظ و اعاده وضع موجود تلاش میکنند و از سوی دیگر تلاش دارند یک آینده متمایز و تغییراتی ریشه ای محصول این تحولات باشد.

تونس، الگوی سرمایه داری جهانی در آفریقا، کشوری که تا دو ماه پیش "با ثبات" ترین سرمایه داری آفریقا محسوب میشد، کشوری که دولتهای غربی به تحولات اخیر آن بدبین و ساکت، و حتی مانند دولت فرانسه در تلاش برای مهار سرکوبگرانه آن بودند، در اولین گامهای تحریک انقلابی اش بساط دولت و دیکتاتوری 23 ساله بن علی را درهم پیچید. شورش برای نان و انفجار توده ای علیه فقر و اختناق تا همینجا دنیا را لرزاند است. بسرعت اعتراضات علیه فقر به مصر، الجزایر، اردن، سودان، عربستان و دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا کشید. در آمریکای لاتین کارگران بولیوی پیشقدم بودند اما اگرچه تا سرنگونی مورالس پیش نرفتند ولی کارت قرمزی به دولتهای قاره دادند تا حساب دستشان باشد. اما با رویدادهای تونس بسرعت دولتهای فاسد و دیکتاتور و نوکر سرمایه

صفحه 2

## قتل عام کارگران ایران خودرو، اعتراض کوبنده علیه جنایت سرمایه داران!

کدام پروسه قدرت گیری سیاسی؟

نقدی بر نقطه نظرات حمه الهمامی رهبر حزب  
کمونیست کارگران تونس



صفحه 9

علی جوادی

## حسنى مبارك باید برود!

"پایان دیکتاتوریهها؟"

صفحه 11

سیاوش دانشور

نتایج انتخابات  
سراسری کنگره اول  
حزب



سایه ای که در  
خلاء رنگ می  
بازد!

صفحه 13

کوروش سمیعی

برف و قالیباف

صفحه 14

پدرام نو اندیش

دستمزد

بیانیه تشکلهای کارگری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تونس: کدام آینده؟ سرمایه داری یا سوسیالیسم ...

عقب نشستند و طرحهای حذف سوبسیدها و گرانی ارزاق عمومی را پس گرفتند. ناگهان از شاه فهد و حسنی مبارک و امیر کویت و هر فسیلی که بر این کشورها حکم میراند با عجله ظاهر شدند و گفتند پس میگیرند. آنها عقب نشستند چون میدانستند بعد از تونس نوبت آنهاست. انفجار دیروز مصر و تاکید بر راه تونس گواهی است. از همان ابتدا معلوم شد که نه دولتهای دموکراتیک غربی، نه دولتهای فاسد و دیکتاتور در آفریقا و خاورمیانه و نه جریانهای اسلامی موافق تحولات تونس نیستند. حال که در مقابل چشمانشان بن علی و دولتش سرنگون شده است هر کدام بنوعی تلاش میکنند حرکت انقلابی کارگران و مردم زحمتکش تونس و کشورهای منطقه را کنترل و نهایتاً به شکست بکشانند.

تونس دریچه ای به آینده است. تحولات تونس ادامه مبارزات طبقه کارگر در اروپا و مبارزات توده ای در ایران و منطقه است. در متن بحران جهانی و تعرض سرمایه به بشریت کارگر، شورش و قیام علیه دیکتاتوری و فقر و برای نان و آزادی و حرمت و رفاه، نشانگر آغاز دوره جدیدی از اعتراض علیه دیکتاتوریهایی سرمایه در کشورهای مبتنی بر اختناق عریان و کار ارزان و کارگر خاموش است. تردیدی نباید داشت که با رویدادهای جهانی و منطقه ای و بویژه با یک پیروزی چپ در تونس یا ایران، عمر حکومتهای فاسد و دیکتاتور با سلاطین و امامان مادام العمر تمام است. دوران شیخ نشین هائی که زمانی توسط انگلستان برای نگهداری و ارتزاق فامیلی از چند چاه نفت ایجاد شد رو به اتمام است. حکومتها و دولتهائی که با حمایت آمریکا و غرب توسط چند احمق مفتخور یا یک فامیل اداره

میشوند، در پایان خط هستند. در متن بن بست و بی آبرویی راه حل های سرمایه داری بعد از پایان جنگ سرد، کارگران و زحمتکشان به الگوهای کلاسیک و طبقاتی خود روی آورده اند. معضل بورژوازی اینست که از یکسو سرمایه داری در کشورهای تحت سلطه به روشهای قدیم قابل اداره نیست و از سوی دیگر



هیچ جناح سرمایه پلاتفرمی متمایز از پلاتفرم ریاضت کشی و استثمار شدید طبقه کارگر ندارد. بار دیگر این امکان هست که با پیشروی و یا پیروزی کارگری در یک کشور منطقه، جنبشهای سوسیالیستی و سکولاریستی جان تازه ای بگیرد و کمونیسم کارگری به جنبشی عینی و یک راه حل واقعی در جوامع خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل شود.

بشریت کارگر به تحولات تونس با اشتیاق و نگرانی نگاه میکند. سقوط دیکتاتور، شکستن چتر اختناق، پوچ درآمدن اسطوره ارتش مکانیزه و قوی سرکوبگر، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب، دستگیری بخشی از سوپر میلیاردرهای تونسی و

مصادره بخشی از اموال مسروقه آنان، ایجاد کمیته ها و نهادهای عمل مستقیم توده ای و غیره، تنها میتواند محصول حرکتی پیگیر و روحیه ای انقلابی برای تغییر وضع موجود باشد. این دستاوردها با 50 سال مشاعره اسلامی در مورد "اصلاحات" و "ولی فقیه مشروطه" و "مبارزه مسالمت آمیز در چهارچوب قانون اساسی" حاصل نمیشد. مردم تونس حتی به مغز اصلاح طلبان اسلامی شرق زده ایران فرو کردند که در دفاع از دیکتاتور و فقر و اختناق هرچه علیه انقلاب شیپور را از سرگشاد بزنند تنها ماهیت ارتجاعی اهدافشان را برملا میکنند. کسانی که بقول خودشان "انقلاب را فحش تبدیل

طبقه کارگر و محرومان شهری که مهمترین نقش را در سرنگونی دیکتاتور تونس داشتند نیز باید تجدید آرایش کند. اردوی کارگری و سوسیالیستی نیازمند آرایش دوره انقلابی و دورخیز برای سرنگونی حکومت موقت و تسخیر تمام قدرت است. فرجه ای که با سقوط بن علی ایجاد شده معلوم نیست چند ماه و یا چند سال طول میکشد. اما تردیدی نیست که بورژوازی بسرعت دست اندر کار اعاده نظم و بازگشت به موقعیت پیشین است. قدرت ژله ای و لرزان شکل گرفته در بالا را باید با قدرتی آلترناتیو و توده ای در پائین درهم شکست. ایجاد ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای، ایجاد شوراها در محلهای کار و زیست و در مقیاس منطقه ای و شهری، ایجاد کمیته های انقلابی و شبکه های جوانان برای بسیج توده ای، ایجاد سازمانهای توده ای زنان برای دفاع از برابری و رفع تبعیض، ایجاد قدرت آلترناتیو

بعد از برکناری دولت و فرار رئیس جمهور، هم اکنون جدال واقعی جنبشهای سیاسی برسر تعیین تکلیف قدرت سیاسی و ترسیم سیمای آتی جامعه تونس شروع شده است. تونس وارد یک دوران انقلابی شده است که در حلقه اول به سقوط دیکتاتور منجر شده است. وقتی که سقوط بن علی مسجل شد،



مانند برابری حقوقی زن و مرد، لغو مجازات اعدام، و غیره کوتاه نیاید. نه فقط نباید کوتاه آمد بلکه باید فراتر رفت. اسلام و مذهب باید امر خصوصی باشد. جریانات اسلامی یک خطر بالفعل علیه کارگران و یک متحد دیکتاتوری جدید اند. از تجربه تلخ ایران 57 غافل نشوید و یک ذره به جریانات اسلامی اعتماد نکنید و وارد هیچ ائتلافی با آنها نشوید. نباید فریب مجلس موسسان قانون اساسی و شعارهای بورژوائی که بخشا توسط چپها مطرح میشود را خورد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری همراه با کارگران و کمونیستها و آزادیخواهان ایران و جهان، خود را در شادی عمیق جنبش آزادیخواهی در تونس و سقوط دیکتاتور شریک میدانند و این پیروزی را صمیمانه به کارگران و مردم انقلابی تونس و جهان تبریک میگوید. در عین حال ما با نگرانی اوضاع را دنبال میکنیم. ما نگران عدم وجود تحزب سیاسی کمونیستی طبقه کارگر، نگران به کم رضایت دادن و دنبال وعده های بالائی ها رفتن، نگران عدم قاطعیت انقلابی، نگران دسیسه های بورژوازی و ارتش و موج برگشت ارتجاع سیاسی هستیم. سرمایه داران یک ضربه قاطع از طبقه ما نوش جان کرده اند اما هنوز سنگرهای زیادی برای فتح پیش روی ماست. پیروزی ممکن است اگر بسرعت ویژه دوره انقلابی به سوالات اساسی پاسخ دهیم و نیرو و پتانسیل انقلابی موجود را در خدمت یک پیروزی سوسیالیستی و کارگری بکار گیریم.

در این روزها "ما همه تونسی هستیم!" زنده باد کارگران و مردم انقلابی تونس! زنده باد اتحاد انترناسیونالیستی طبقه کارگر! پیش بسوی انقلاب کارگری و برپائی جامعه آزاد کمونیستی! \*

در مقابل دولت موقت بورژوائی باید دولت موقت انقلابی کارگری را قرار داد. در مقابل ارتش حرفه ای بورژوائی باید ارتش کارگری و میلیس توده ای را قرار داد. در مقابل بورکراسی و ارگانهای بورکراتیک دولتی باید قدرت شوراها و ارگانهای اعمال اراده توده ای را قرار داد. در مقابل آرایش جدید بورژوازی داخلی و بین المللی باید آرایش کارگری و حزب سیاسی کارگری کمونیستی را قرار داد. در مقابل ائتلاف اردوی راست جامعه باید ائتلاف اردوی چپ جامعه را قرار داد. در مقابل راه حل سیاسی بورژوائی باید راه حل سیاسی کارگری را قرار داد. پیروزی مردم تونس در گرو اینست که کارگران و متحدین شان به وضعیت موجود، به سرمایه داری در تمام اشکالش، پایان دهند. در تونس علیرغم هر درجه پیروزی و پیشروی تاکتونی، نهایتا یا سرمایه داری یا سوسیالیسم است که آینده را شکل خواهد داد. تردیدی نیست حکومت بعدی سرمایه اگر ادامه بن علی نباشد تفاوت ماهوی با آن ندارد. سرمایه زخم خورده با توحش وسیع تری باز خواهد گشت. تنها کارگران میتوانند آینده سوسیالیستی را ترسیم کنند و امید سوسیالیسم را بار دیگر در جهان به آرمان میلیاردها نفر تبدیل کنند.

سازمان امنیت و اطلاعات و دیگر نهادهای جاسوسی حکومت باید منحل شود. دین اکیدا باید از دولت و آموزش و پرورش جدا باشد. نباید به جریانات ارتجاعی اسلامی یک ذره امتیاز داد. کلیه دارائیه و ثروتهای بسرقت رفته کارگران و مردم باید باز پس داده شود. کلیه اموال و دارائی های کسانیکه در حکومت سابق بودند باید بررسی شود. همه دیون و قراردادهای دولت بن علی فاقد اعتبار است. دیپلماسی سری باید لغو شود. هیچ کسی حق ندارد از بالای سر مردم تونس و با بند و بست و بنام مردم تونس توافقی بکند. هر سیاست و توافق دولت موقت مادام که توده کارگران آنرا تأیید نکرده اند فاقد اعتبار است. اموال سرمایه داران و طایفه های که خون اکثریت مردم را در شیشه کرده اند باید توسط ارگانهای انقلابی کارگران و مردم زحمتکش مصادره شود.

## تونس: کدام آینده؟ سرمایه داری یا سوسیالیسم ...

مهمتر از همه طبقه کارگر ستاد رزمنده و رهبری کننده در مقیاس کشوری، حزب سیاسی کارگری نیاز دارد. حزبی که متشکل کننده رهبران و پیشروان انقلابی و توده های طبقه کارگر باشد. حزبی که کل آزادیخواهی و سکولاریسم و تمایلات برابری طلبانه مردم تونس را نمایندگی کند و بعنوان رهبر آزادی جامعه قد علم کند. حزبی سوسیالیستی و کمونیستی کارگری که سرمایه داری را بعنوان ریشه دیکتاتوری و فقر مورد تهاجم قرار داد و پیروزی کنونی را با یک انقلاب کارگری به فرجام برساند.

### کارگران کمونیست و سوسیالیست!

دوره کنونی در تونس دوره سلب است و تلاشهای روزهای اخیر نیز بر همین قانونمندی دلالت دارد. باید متحذانه و بدون هیچ توهمی بر کنار رفتن کلیه عناصر حکومت پیشین تأکید کرد. بن علی رفت، پسر عموهایش و کل مسببین ارتجاع و اختناق و فلاکت در تونس هم باید بروند. مردم علیه بن علی بپا نخواستند تا حکومت را دست رئیس سازمان امنیت او دهند. مردم علیه فقر بپا نخواستند تا حکومت دیگری مبتنی بر فقر سر کار بیاورند. مردم علیه نیروی سرکوب و ارتش و پلیس قهرمانانه نایستادند تا ارتش و نیروی سرکوب را تطهیر کنند. همین ارتش حافظ سرمایه، که خود در جدال سیاسی درون حکومتی درگیر است، بسرعت در مقابل جنبش آزادیخواهی و ارگانهای انقلابی کارگران و مردم زحمتکش قرار میگیرد. کارگران باید خواهان انحلال کل سیستم ارتش حرفه ای و دستگاههای سرکوب شوند.

شما پیشقراولان انقلاب در آفریقا و آسیا در سده بیست و یکم هستید. پراتیک انقلابی شما تاریخ را شکل میدهد و منشا تحرک و امید آزادی در جهان میشود. در تونس فرصتی فوق العاده برای یک پیروزی کارگری فراهم شده است. به کم نباید قناعت کنید. هیچ درجه سازش با ستم و استعمار و بیحقوقی را نپذیرید.

یک ذره به نیروهای بورژوائی اعم از ناسیونالیستی و اسلامی اعتماد نکنید. یک ذره به ارتش و نهادهای سرکوب و اردوی بورژواها در دولت موقت تکیه نکنید. یک ذره از دستاوردهای سکولار و قوانین مترقی پیشین

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!



زحمتکش به بلوغ سیاسی کامل نرسیده اند. مصافهای مهم و پیچیده بسیاری در پیش است.

**یک دنیای بهتر:** تونس در بورژوازی غرب جزیره ثبات و آرامش نامیده بود. بنا به شاخص های اقتصادی سرمایه این کشور در موقعیت مناسبی بسر میرود. چه شد؟ آیا بورژوازی برای این کشورها الگویی برای رشد و توسعه در چننه ندارد؟ آیا این تغییر و تحولات در عین حال نشان شکست الگوی اقتصادی بورژوازی در این کشورها است؟ سرنوشت طرح ریاضت کشی اقتصادی و سرمایه داری لجام گسیخته چطور؟ آیا این دوره پایان این تعرض به معیشت توده های کارکن و زحمتکش است؟

**آذر ماجدی:** باید در نظر داشت که شاخص های بورژوازی در مورد موفقیت اقتصادی بر معیارهایی نهاده شده که کاملاً در تناقض با رفاه و سعادت مردم عادی، طبقه کارگر و زحمتکشان است. در مورد تونس فروم بین المللی اقتصاد این کشور را از قابلیت بالایی در رقابت در منطقه توصیف کرده بود. "قابلیت بالا در رقابت" یعنی اینکه سرمایه در شرایط مساعدی قادر به انباشت است؛ یعنی می تواند کالاهایی تولید کند که در بازار قابلیت رقابت دارند در عین اینکه نرخ سود بالای سرمایه نیز حفظ شده است. این شرایط در کمپ مقابل، کمپ طبقه کارگر به چه معنا است؟ سرمایه برای دستیابی به این شرایط باید بتواند وجود یک طبقه کارگر ارزان، خاموش و منعطف را تضمین کند. بدون چنین عاملی

## تونس: تحولات حاضر، چشم انداز آتی، امیدها و مخاطرات

با هیات دائر دفتر سیاسی حزب

و اجتماعی باشد بلکه خود اساساً بر پایه نابرابری اقتصادی استوار شده است. مردم خواهان رفاه اند. از اینکه گرسنه باشند، فقیر باشند، محروم باشند، خسته شده اند. اما کارنامه بورژوازی در جوامعی مانند تونس ایجاد یک ارتش عظیم فقرا و گرسنگان و استبداد است. اکنون مبارزه طبقاتی در تونس کاملاً پلاریزه شده است. کدام آلترناتیو، کدام آینده؟ تنها دو پاسخ پایه ای وجود دارد. یا سرمایه داری و دول گوناگونش با بازپس گرفتن دستاوردهای کنونی و تضمین بقای فقر و فلاکت و گرسنگی و نابرابری و یا نابودی سرمایه داری و استعمار و استقرار نظامی متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان. چنین نظامی تنها میتواند یک نظام آزاد سوسیالیستی و چنین حکومتی تنها میتواند یک حکومت کارگری باشد. اما این آلترناتیو باید در سطح سیاسی نمایندگی شود. و در حال حاضر این مهمترین مصاف کارگر و کمونیسم در تونس است.

این اعتراضات در زمان کوتاهی گامهای بلندی برداشته است. در اولین موج اعتراضی خود قادر شد که راس هیات حاکمه رژیم سرمایه در تونس را فراری دهد. و اکنون در مقابل هر تجدید آرایش بورژوازی که میکوشد بقایای سیستم سرمایه در ظرف جدیدی به توده های مردم حقه کند، ایستادگی میکنند. "نه" به ادامه گذشته کلید پیشروی این مبارزات است. هر تلاش بورژوازی تاکنون با چاشنای جامعه مواجه شده است. خطوط تلافی سیاسی روشن اند.

شواهد جملگی بر نقش تعیین کننده کارگران و مردم زحمتکش و جوانان در این اعتراضات اشاره میکنند. اما این اعتراضات در عین حال یک جنبش عمومی اجتماعی علیه وضع موجود است. هنوز آلترناتیو سیاسی کارگران و مردم

کارگران و مردم زحمتکش در تونس فقیرند. استبداد و فساد و نابرابری و گرسنگی از واقعیات کربیه زندگی این مردم است. بورژوازی تونس در تلاش برای تشدید استعمار و بهره کشی و خالی کردن بار بحران سرمایه داری در این کشور سیاست حذف سوبسیدها را در دستور قرار داد که ترجمه بلافصل آن افزایش قیمت ارزاق و کالاهای اولیه زندگی مورد نیاز مردم بود. و از قرار یک جرعه بر این متن اعتراضی کافی بود تا کارگران و توده های مردم به جان آمده به خیابانها بریزند. اعتراضات در مقابله با فقر و گرسنگی شکل گرفت اما به سرعت تمامی پیکره سیستم سیاسی و نظام حاکم را در بر گرفت و به اعتراضی نه تنها علیه فقر و گرسنگی بلکه به اعتراضی علیه سیستم سیاسی موجب فقر و فلاکت و استبداد و اختناق در این کشور تبدیل شد.

آنچه در تونس جاری است یک جنبش عظیم اجتماعی علیه فقر و گرسنگی و استبداد و نابرابری اقتصادی است. این مبارزه در اساس خود مبارزه ای علیه شرایطی است که سرمایه داری در تونس ایجاد کرده است. این جنبشی برای آزادی، برابری و رفاه همگان است. جنبشی برای سرنگونی سیستم حاکم بر تونس است. مردم آزادی میخواهند، هیچ آلترناتیو بورژوایی نمیتواند در جوامعی مانند تونس و ایران متضمن آزادی های بی قید و شرط سیاسی همگان باشد. مردم برابری میخواهند، از نابرابری اقتصادی و اجتماعی بیزارند. اما هیچ جناحی از بورژوازی نه تنها نمیتواند تضمین کننده برابری اقتصادی

**یک دنیای بهتر:** تحولات حاضر در تونس برای بسیاری از مفسران بورژوایی غیر قابل پیش بینی بود. برای اولین بار در جهان عرب، مردم در خیابانها قدرت سیاسی را وادار به تغییر و تحول کردند. از اعتراض به طرح حذف سوبسیدها و افزایش گرانی و فقر تا فرار زین العابدین بن علی و سقوط احتمالی دولت ائتلافی کنونی مسیر طولانی طی شده در مدت کوتاهی است. زمینه های مادی شکل گیری این اعتراضات کدامها هستند؟ کدام نیروها و جنبش های اجتماعی نقش اصلی را در این اعتراضات ایفا میکنند؟

**علی جوادی:** برای درک تحولات سیاسی حاضر در تونس باید از بررسی پایه ای ترین روندهای عینی و مادی در این جامعه آغاز کرد. تونس جامعه ای نیست که در آن مبارزه اجتماعی تاریخ و پیشینه نداشته. اعتراضی نبود، تاریخی نبود. کشمکش نبود. تونس یک جامعه سرمایه داری و یک جامعه طبقاتی است. و تاریخ کلیه جوامع تاکنونی تاریخ مبارزه و کشمکش طبقات اصلی جامعه است: "جدالی بی وقفه، گاه آشکار و گاه پنهان، میان طبقات استثمارگر و استثمار شونده، ستمگر و تحت ستم در ادوار و جوامع مختلف در جریان بوده است. این جدال طبقاتی است که منشاء اصلی تحولات و تغییر در جامعه است" (یک دنیای بهتر، برنامه حزب اتحاد کمونیسم کارگری). اعتراضات اخیر بر متن این کشمکش طبقاتی جاری و همیشگی شکل گرفته و حادث شده است. ندیدن این واقعیت پایه ای و معطوف شدن به آنچه که این اعتراض را شعله ور کرده است، خودسوزی یک جوان دستفروش، ندیدن مولفه های اصلی تحولات تاریخی و پرداختن به حوادث در بررسی رویدادهای تاریخی و نقشه مند است.



اجتماعی و انقلابی فرار گرفته است.

اما شکست شوروی و سقوط این بلوک فرجه ای را برای بورژوازی جهانی و سرمایه داری فراهم کرد. با فریادهای "کمونیسم مرد!" "مارکس مرد!" و "پایان تاریخ!" توانستند فضایی برای رشد و انباشت سرمایه در سطح جهان فراهم کنند. استثمار شدید، نامنی مطلق، بیحقوقی و قاحت باری را بر دنیا تحمیل کردند. اکنون مردم شریف و زحمتکش به خیابان ها ریخته اند و فریاد خشم شان را علیه این نظم بلند کرده اند. سرمایه داری خالق فقر و فلاکت، بیحقوقی و تبعیض، بی عدالتی و نابرابری برای اکثریت مردم است. مردم آزادی، برابری و رفاه میخواهند. سرمایه داری الگوی شکست خورده ای است. اما تا آلترناتیو آن یعنی سوسیالیسم متشکل و سازمانیافته به میدان نیاید و آنرا در میدان نبرد شکست ندهد، به حیات خود ادامه میدهد و جان میلیون ها انسان دیگر را نیز مورد تهدید مرگ و نابودی قرار می دهد.

در پاسخ به خیزش مردم و به زیر کشیدن دیکتاتور تونس، دولت های منطقه دارند در مورد تحمیل سیاست ریاضت کشی، این پا آن پا می کنند. سارکوزی، رئیس جمهور فرانسه که اکنون بمدت یکسال ریاست گروه بیست و گروه هشت را بعهده گرفته است، دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی می گفت که: باید قمیت غذا را پایین آورد و گرنه دنیا با "شورش غذا" روبرو خواهد شد. واقعا که عوامفریبی و دروغ یک وجه لایبجزای شخصیت سیاستمداران بورژوا است. "شورش غذا" یعنی خیزش های اجتماعی که می تواند به انقلاب ضد سرمایه داری بدل شود.

باید توجه داشت که بورژوازی هیچ تعرضی را داوطلبانه پس نمی گیرد. طبقه کارگر و مردم زحمتکش فقط با تعرض متقابل و مبارزه می توانند این تعرضات را عقب بکشند. در تحلیل نهایی تا زمانی که سرمایه داری حاکم است،

## تونس: تحولات حاضر، چشم انداز آتی، امیدها و مخاطرات ...

شد و خود را در میدان شهر به آتش کشید، اکنون به "قهرمان ملی" در تونس بدل شده است. این جوان بخت برگشته با عمل استیصال آمیز خود به تونس و دنیا نشان داد که چه فقر و فلاکت، استثمار شدید و سرکوب و اختناق در تونس حاکم است. محمد به دنیا اعلام کرد که: "دیگر بس است!" این حرکت نه تنها تونس، بلکه همچنین آنچه بدنیای عرب معروف است را تکان داده است.

راستش بورژوازی مدتها است که برای دنیا الگویی برای رشد ندارد. تاریخا به اثبات رسیده است که سرمایه داری یعنی، نابرابری، یعنی بی عدالتی، یعنی آزادی های محدود در یک گوشه دنیا که به اسم دمکراسی بخورد مردم می دهند و اختناق و سرکوب در بخش وسیعی از جهان. سرمایه داری یعنی فقر و گرسنگی میلیون ها انسان در روی کره ارض. سرمایه داری یعنی مرگ صدها کودک در هر ثانیه. سرمایه داری یعنی انباشت ثروت های افسانه ای برای یک عده قلیل و فقر و فلاکت، گرسنگی و بیخانمانی، تبعیض و بی حقوقی برای اکثریت قریب به اتفاق بشریت؛ سرمایه داری یعنی اعتیاد و فحشاء، خشونت، زن ستیزی و نژاد پرستی. این حقیقتی نیست که اکنون در شرایط بحران جهانی بر ما روشن شده است. این حقیقت جوهری نظام سرمایه داری است که مارکس بیش از یک قرن پیش مورد تحلیل قرار داده است و تاریخ جهان بارها و بارها به اثبات رسانده است. این جوهر ضد بشری سرمایه داری است که بارها طی تاریخ هدف اعتراضات و جنبش های وسیع

سرمایه بویژه در یک کشور باصطلاح در حال توسعه، یا جهان سوم، بهیچوجه قادر به رقابت نیست.

برای طبقه کارگر و توده زحمتکش جامعه این شرایط بمعنای دستمزدهای پایین، شرایط شاق کار، ناامنی اقتصادی و اجتماعی و عدم برخورداری از تشکل و حق اعتراض و اعتصاب است. "جزیره ثبات آرامش سرمایه داری" به قیمت استثمار شدید طبقه کارگر، تحمل فقر و فلاکت روزافزون و سرکوب و اختناق شدید هر گونه آزادی سیاسی و مدنی از جمله فعالیت های کارگری تامین شده است. بعلاوه، صندوق بین المللی پول اعلام کرده بود که دولت تونس توانسته است "بخوبی با عواقب بحران اقتصاد جهانی مقابله کند." این تعریف و تمجید از دولت تونس، یعنی اینکه حکومت تونس توانسته است بخوبی فشار اقتصادی را بر سر مردم خراب کند و نان را نیز از سفره خالی آنها بزد و ظاهرا بدون آنکه با اعتراضی روبرو شود. شاید باید به صندوق بین المللی پول گفت که "جوجه ها را آخر پاییز می شمرند!"

قضاوت عجولانه صندوق بین المللی پول خود از سطحی بودن تحلیل این نهادها از تضادها و تناقضات در جامعه سخن می گوید. مردم جانشان از بیست و سه سال سرکوب و اختناق، فقر و فلاکت، بیحقوقی و بی عدالتی، نابرابری و فساد طبقه حاکمه به لب رسیده بود. کارد به استخوانشان رسیده بود. فقط به یک جرعه نیاز داشتند. این جرعه را تراژدی خودسوزی محمد بوعزیز فراهم آورد. جوان بیست و شش ساله بیکاری که مورد ضرب و شتم و توهین پلیس واقع

آش همین آش و کاسه همین کاسه است. باید برای سازماندهی یک انقلاب کارگری تلاش و مبارزه کرد. ما بارها گفته ایم که اکنون یک شرایط و فرصت طلایی برای واژگون کردن سرمایه داری است. منتهی کار و فعالیت هرکولی در مقابل کمونیسم و طبقه کارگر قرار دارد. باید کوشید بر این موانع فایق آمد.

**یک دنیای بهتر:** تونس در این اعتراضات تنها نیست. اعتراضات در الجزایر هم به شدت در جریان است. اردن و مصر هم شاهد اعتراضاتی در مقابله با طرح حذف سوبسیدها بودند و یا اقدام به محدود کردن این تعرض به معیشت توده های مردم زحمتکش کرده اند. کل "جهان عرب" تکان خورده است. در عین حال ما مدتهاست که در یونان، اسپانیا، فرانسه و انگلیس شاهد اعتراضات کم و بیش گسترده در این زمینه بوده ایم. این اعتراضات چه وجوه مشترک و چه تفاوتهایی دارند؟ تاثیرات این اعتراضات بر هم کدامند؟ ایران کجای این تصویر قرار میگیرد؟

**سیاوش دانشور:** مشخصه دوران امروز اعتراض وسیع و توده ای طبقه کارگر و مردم آزادیخواه به نظام سرمایه داری است. سرمایه امروز همه جای دنیا کمابیش یک پلاتفرم واحد دارد و آن تعرض به سطح معیشت و زندگی طبقه کارگر، تشدید استثمار طبقاتی، و بازپس گیری دستاوردهای دهه های متمدنی طبقه کارگر است. اعتراض در تونس علیه فقر و اختناق، شورش بردگان مزدی برای نان،



## تونس: تحولات حاضر، چشم انداز آتی، امیدها و مخاطرات ...

تونس و مصر نمونه است. در این کشورها اپوزیسیون درباری و دنبالچه هایشان در بیرون حکومت تلاش میکنند ناجی اعاده وضع موجود در شرایط بحرانی باشند.

اعتراضهای توده ای علیه فقر در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و اروپای غربی بدون تردید برهم تاثیر میگذارد و الگوهای موفق بسرعت تسری می یابند. بویژه امروز به لطف تکنولوژی ارتباطات هیچ دیکتاتوری علیرغم هر تمهیداتی نمیتواند دور جامعه سیم خاردار بکشد و مردم را در قرنطینه فکری و فرهنگی نگاه دارند. اعتراضات توده ای در یونان و فرانسه همه جا تاثیر داشتند. اعتراضات در ایران دنیا را تکان داد و امروز در تونس تجارب نوین مبارزه علیه دولتها و سرمایه داری جلو صحنه آمده است. اعتراضات توده ای در کشورهای دیگر نیز نشان میدهد که دوره ای جدید آغاز شده است که کارگران و مردم محروم در ابعاد وسیع علیه قدرتی قدرتی بازار و دولتهای مزدور سرمایه بمیدان می آیند و هر تجربه ثابت میکند که پیشروی در گرو حاکم شدن سنتهای رادیکال کارگری است. ایران نیز از این صفحه جدا نیست. راه دوری نباید رفت. رویدادهای تونس با امواج سهمگین تری در ایران تکرار خواهد شد. در ایران اعتراض علیه فقر و فلاکت میتواند و باید به سرنگونی رژیم اسلامی و تخته پرش انقلاب کارگری برای الغای نظام بردگی مزدی شود.

**یک دنیای بهتر:** هیات حاکمه تونس به سرعت دست به تغییرات در ترکیب و آرایش نیروهای طبقه حاکمه زد. بن علی فراری شد. ناچار شدند زندانیان سیاسی را آزاد کنند. فعالیت احزاب اپوزیسیون آزاد اعلام شد. غرب این تحولات را "انقلاب یاسمین" نامگذاری کرد و خود را مدافع "اصلاحات" نامید. هدف بورژوازی در این دوره کدام است؟ در مقابل کارگران و مردم زحمتکش برای پیشروی چه باید بکنند. استراتژی مرحله ای یک نیروی کمونیست در این شرایط چه میتواند باشد؟

**علی جوادی:** در درجه اول باید توجه داشت که عقب نشینی بورژوازی در تونس تاکتیکی، مقطعی و تحت فشار مبارزات کارگران و مردم زحمتکش است. مادام که سیستم اقتصادی و سیاسی سرمایه در تونس پایرجاست، هیچ اصلاحاتی نمیتواند پایدار و همیشگی باشد. آزادی های سیاسی کنونی، آزادی مطبوعات، آزادی رسانه ها و کلیه دستاوردهای جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم مادام که نهادینه نشوند از جانب بورژوازی باز پس گرفته خواهند شد. هر زمان که بورژوازی از زیر ضرب خارج شود و مردم به وضع موجود "رضایت" دهند، پروسه باز پس گیری دستاوردهای این اعتراضات نیز آغاز خواهد شد.

هدف بورژوازی در این شرایط حفظ بنیادهای نظام سرمایه داری و سیستم سیاسی حافظ آن در تونس است. هدف حفظ ارگانها و نهادهایی است که برای حاکمیت طبقاتی بورژوازی در تونس حیاتی اند. هدف حفظ دستگاه ارتش و کلیه دستگاه سرکوب، بوروکراسی مافوق مردم، دادگستری و سیستم قضایی و کلیه سیستم مقننه و مجریه و مهمتر حفظ مناسبات "مقدس" مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و توزیع محصولات مورد نیاز مردم است. هر تجدید آرایش بورژوازی در شرایط کنونی مجموعاً این اهداف عمومی را دنبال میکند. و این نقشه عمل و هدف کلیه جناحهای بورژوازی است. به عبارت دیگر هدف بورژوازی

روشن ترین و صریح ترین اعتراض توده ای کارگری به نظم سرمایه و حکومتها و دولتهای آنست. سرنوشت بن علی در انتظار مبارک در مصر است. وجه اشتراک کارگران در تونس، مصر، ایران، فرانسه، اسپانیا و دیگر کشورها اینست که همه، حال تحت شرایط متفاوت، با دشمن واحدی یعنی طبقه سرمایه دار روبرویند. این بورژوازی مستقل از اینکه پرچمش اسلامی یا شاهی یا ناسیونالیستی یا دموکراتیک است، در تعرض به کارگر و تلاش برای بالا بردن سود سرمایه یک زبان دارند. از یک خانواده و یک طبقه واحد جهانی اند. علیرغم هر جنگ و دشمنی درون طبقاتی که با هم دارند اما در حفظ نظامی که براساس بردگی اکثریتی عظیم بپا شده است علیه آرمان سوسیالیستی طبقه کارگر هم آواز و متحد اند.

تفاوتها را اما باید در دینامیزم سیاست و شرایط متفاوت بخشهای مختلف طبقه کارگر و رابطه مردم با حکومتها در کشورهای مختلف جستجو کرد. دستکم از بعد از انقلاب اکتبر تا امروز، عمدتاً بلطف سوسیال دموکراسی، طبقه کارگر اروپا علیرغم اعتراضات بعضاً تند از چهارچوبهای قانونی و پارلمانی عبور نکرده است. همینطور اتحادیه ها که ظرف اساسی تشکل صنفی طبقه کارگران بعنوان سوپاپ اطمینان سرمایه عمل میکنند و در بسیاری از موارد با خفت بار ترین و ضد کارگری ترین سیاستها پیشگام میشوند. در اروپا باید بدواً از چهارچوبهای دموکراسی پارلمانی و این توم که گویا قدرت میتواند از دریچه پارلمان متحقق شود عبور کرد. مضافاً اینکه باید در مقابل صف احزاب دولتی و غیر دولتی طرفدار نظم موجود احزاب کمونیستی کارگری ضد نظم موجود قد علم کنند. احزابی که

کار و آموزش، شوراهای سرخ ها توسط جوانان راهکارهایی بسیار مناسب و موثرند. این تشکلات مردم را به پیشروی سازمانیافته و رادیکال تر مجهز می کند. بعلاوه، کارگران رادیکال سوسیالیست باید بر سرنگونی سرمایه داری متمرکز شوند و برای تحزب کمونیستی کارگران و جوانان کمونیست قدم بردارند.

روشن است که از آنجا که از موقعیت و شرایط جنبش کمونیستی کارگری در تونس اطلاع کنکرتی در دست نداریم، طرح راهکارهای مشخص کار دشواری است. حزبی که بعنوان حزب کمونیست در تونس فعالیت می کند و مورد ارجاع رسانه ها نیز قرار گرفته است، یک حزب پوپولیستی است. (مصاحبه لیدر آنها در همین شماره مورد نقد قرار گرفته است.) این حزب بهیچوجه نمی تواند جوابگوی کارگران کمونیست باشد. باید بتوان یک حزب کمونیستی کارگری در تونس بنیاد گذاشت تا بتواند کارگران را برای یک انقلاب کارگری سازمان دهد. زیرا یک چیز مسلم است: تا زمانیکه سرمایه داری در تونس حاکم است مردم از شر فقر و فلاکت، اختناق و سرکوب، استثمار و نابرابری خلاصی نمی یابند.

**یک دنیای بهتر: پیروزی این مبارزات را چگونه باید تعریف کرد؟ این پیروزی در گرو چیست؟ مخاطرات احتمالی کدامند؟ برخی به مساله تحرک اسلامیستها و تلاش این ارتجاع برای قدرت گیری اشاره میکنند، چگونه میتوان تحرک اسلامیستها در مسیر پیشروی خنثی کرد؟ آیا میتوان امید داشت که یک انقلاب کارگری از دل این تحولات شکل بگیرد؟**

**سپاوش دانشور: فعالان دولت قبلی و بن علی سرنگون شده است و این پیروزی منشا جدالهای سرنوشت**

یک عقب نشینی جدید میشوند. توده های مردم در خیابان به وعده های حکومت ائتلافی واقعی نگذاشته اند. بخشهایی از پلیس و نیروی سرکوب به مردم پیوسته اند. حکومت وعده انتخابات برای تعیین ترکیب دولت را میدهد. بخشهایی از اپوزیسیون خواهان برگزاری مجلس موسسان هستند. مساله شکل دادن به قدرت سیاسی آتی از هر طرف در دستور است. کارگران و کمونیستها چگونه میتوانند مساله شکل گیری و سازمان دادن قدرت سیاسی را به فرجام برسانند؟ راهکارهای عملی کدامند؟

**آثر ماجدی: شرایط هیجان انگیز اما خطیری است. مردم در مورد سرنگونی کامل رژیم حاکم اتفاق نظر دارند و مصرند. از این نظر شرایط من را بیاد انقلاب 1357 در ایران می اندازد که مردم بر سرنگونی شاه و نظام سلطنتی کاملاً مصر بودند. اما سختی کار در تعیین آلترناتیو است. آلترناتیوی که بتواند خواست ها و آمال مردم را متحقق کند. آلترناتیوی که بتواند آزادی، برابری و رفاه را در جامعه تامین و تضمین کند.**

مردم باید سریعاً متشکل شوند و سازمان یابند. اکنون جریانات اپوزیسیون که عمدتاً در تبعید بسر می برند بجلوی صحنه آمده اند و مدعی شده اند. از احزاب بورژوا-ناسیونالیست تا حزب ارتجاعی اسلامی. و سخن از دولت ائتلافی و انتخابات آزاد می کنند. حزب کمونیست کارگران تونس خواهان تشکیل مجلس موسسان شده است. ظاهراً این رادیکال ترین آلترناتیوی است که طرح شده است. اینها هیچیک جوابگو نیستند. اینها کلاهی است که دمکراسی قرار است دوباره سر مردم بگذارد. سازمان یافتن انتخابات آزاد، یعنی باز حاکمیت سرمایه داری و دمکراسی نیابتی؛ یعنی باز فقر و سرکوب و استثمار.

سازمانیابی مردم و طبقه کارگر در تشکلات توده ای خود یک گام مهم است. تشکیل شوراهای کارگری و شوراهای مردم در محلات، محیط

## تونس: تحولات حاضر، چشم انداز آتی، امیدها و مخاطرات ...

در این شرایط و مقطع زمانی نه تضمین نرخ سود و درجه سود آوری سرمایه بلکه اساساً حفظ موقعیت و مناسبات بورژوازی حاکم بر جامعه است. هدف جبران ضربات وارده به سیستم سرمایه داری در تونس است. تمامی این اهداف را بورژوازی میکوشد از مجرای به سازش کشاندن کارگران و مردم زحمتکش و حقه کردن آرایشهای سیاسی خود به جامعه به پیش ببرد. باید مردم را به خانه ها برگرداند. باید کارگران را به کار تحت مناسبات گذشته بازگرداند. باید جوانان را به امیدهای واهی روانه بازار کار و بردگی و ارتش بیکاری کنند. مساله دیگر این است که بورژوازی در حال حاضر توان سرکوب سیاسی و همه جانبه مردم بپاخواسته را ندارد. از توان و قدرت سیاسی لازم برخوردار نیست. هر درجه تعرضی تنها شکافهای موجود در هیات حاکمه را بیشتر خواهد کرد. موجب ایجاد تناقضات بیشتر در صفوف بورژوازی خواهد شد. بورژوازی تونس در شرایط سختی قرار دارد. کارگران و مردم زحمتکش میتوانند ضربات کاری بر پیکر آن وارد کنند. مساله این است که آیا آلترناتیوی کارگری و توده ای که بتواند قلبها و امید مردم را به یک آلترناتیو روشن گره بزند، میتواند شکل بگیرد و در جلوی جامعه قرار گیرد؟

۲- شکل دادن و سازماندهی قدرت سیاسی از پائین مساله حیاتی دیگری است. بدین منظور باید جامعه را متشکل کرد. باید کارگران و توده های مردم را در محیط کار و محیط زندگی متشکل کرد. شوراهای کارگری و شوراهای مردم و شوراهای سرخ جوانان مناسبترین سازماندهی توده ای جامعه در شرایط کنونی هستند. این ارگانها تنها تشکلات توده ای برای بهبود شرایط کار و زندگی نیستند. نطفه ها و پایه های قدرت سیاسی در آینده اند، باید باشند. باید قدرت جایگزین قدرت بورژوازی را شکل داد.

کارگر و کمونیسم در تونس در شرایطی قرار دارند که میتوانند سرنوشت جامعه و مقدرات آن را رقم بزنند. نمیتوان و نباید در نقش نیروی فشار ظاهر شد. زمان قرار گرفتن در راس قدرت است. زمان تصرف قدرت سیاسی است. زمان شکل دادن به قدرت سیاسی متناظر با خواستهای مردم برای آزادی، برابری و رفاه همگان است. و تنها یک آلترناتیو کارگری و کمونیستی میتواند پاسخگوی چنین شرایطی باشد.

**یک دنیای بهتر: قدرت سیاسی در تونس در حال تغییر و تحول است. هر روز وادار به**

در این شرایط و مقطع زمانی نه تضمین نرخ سود و درجه سود آوری سرمایه بلکه اساساً حفظ موقعیت و مناسبات بورژوازی حاکم بر جامعه است. هدف جبران ضربات وارده به سیستم سرمایه داری در تونس است. تمامی این اهداف را بورژوازی میکوشد از مجرای به سازش کشاندن کارگران و مردم زحمتکش و حقه کردن آرایشهای سیاسی خود به جامعه به پیش ببرد. باید مردم را به خانه ها برگرداند. باید کارگران را به کار تحت مناسبات گذشته بازگرداند. باید جوانان را به امیدهای واهی روانه بازار کار و بردگی و ارتش بیکاری کنند. مساله دیگر این است که بورژوازی در حال حاضر توان سرکوب سیاسی و همه جانبه مردم بپاخواسته را ندارد. از توان و قدرت سیاسی لازم برخوردار نیست. هر درجه تعرضی تنها شکافهای موجود در هیات حاکمه را بیشتر خواهد کرد. موجب ایجاد تناقضات بیشتر در صفوف بورژوازی خواهد شد. بورژوازی تونس در شرایط سختی قرار دارد. کارگران و مردم زحمتکش میتوانند ضربات کاری بر پیکر آن وارد کنند. مساله این است که آیا آلترناتیوی کارگری و توده ای که بتواند قلبها و امید مردم را به یک آلترناتیو روشن گره بزند، میتواند شکل بگیرد و در جلوی جامعه قرار گیرد؟

در پاسخ به سؤال شما در مورد استراتژی کمونیستی در تونس به نظر من بر دو مساله محوری باید تاکید کرد:

۱- برای پیشروی باید در مقابل هر نوع تجدید آرایش بورژوازی و تلاش برای ایجاد "آرامش" مقاومت کرد. باید نقاط سازش را تک تک در هم شکست و از آن عبور کرد. نباید به عوامفریبی ها

## تونس: تحولات حاضر، چشم انداز آتی، امیدها و مخاطرات ...

ساز آتی است. همه چیز به تلاش اردوی چپ جامعه و در راس آنها جنبش کمونیستی طبقه کارگر گره خورده است. در فقدان یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری توده ای در اوضاع خطیر امروز باید سنگرها را حین مبارزه برپا کرد. پیروزی در اساس در گرو متولوزی رهبری این مبارزات در دوره انقلابی است. امروز هر درجه ادای دمکراتیک درآوردن، هر گونه سازش و تعامل با نیروهای بورژوازی، هر گونه به کم راضی شدن، قبول هر وعده سیاستمداران، دریچه شکست قطعی است.

باید مرتبا از وضع موجود سلب کرد. وقتی همه مردم گفتند "بن علی باید برود" راهی بجز رفتن بن علی متصور نبود. همین متد باید ادامه یابد و همراه با آن توده های انقلابی کارگر و زحمتکش حول سیاستهای مشخصی بسیج و متشکل شوند. باید بر استعفا و برکناری کلیه افرادی که با رژیم سابق همکاری کردند پای فشرده. امری که در جریان است. این منشا و راه شکست دولت موقت بورژوازی جدید است. بدرجه ای که ایندوره دوفاکتوی سیاسی که بورژوازی ناچار به آزادی زندانیان سیاسی و آزادی احزاب سیاسی شده است ادامه یابد، امکان پر کردن حفره ها و ضعفهای طبقه کارگر ممکن تر است. باید تهاجم به خاندان های مولتی میلیاردی، دستگیری و مصادره اموال آنان ادامه یابد. باید کارگران کنترل کارخانه ها را بدست بگیرند و قدرت توده ای خود را تحت شوراها بمیدان بیاورند و جنبشی گسترده علیه کارفرماها و سرمایه داران و برای تحقق آزادی و رفاه راه بیاندازند. باید زنان و جوانان و خانواده های کارگری در محلات و در سطح شهر ارگانه های اعمال ارائه توده ای خود را برپا کنند.

باید مردم مسلح شوند. کارگران و رهبران کمونیست باید سیاست انحلال ارتش حرفه ای و مافوق مردم و سازماندهی میلیس توده ای را در دستور بگذارند. امروز ارتش را "همراه مردم" معرفی میکنند تا مجوز حکومت نظامی و منع رفت و آمد شبانه را به آنها بدهند. امروز ارتش را "خودی" معرفی میکنند تا دستگاه سرکوب را دست نخورده تحویل رژیم جدید بورژوازی دهند و دو قدم آنطرف تر در خدمت سرکوب انقلابیون بکار گیرند. یک ذره سازش با مذهب و اسلام سیاسی را در دولت و جامعه نباید پذیرفت. جریان اسلامی تونس اگر به اندازه بن علی دشمن مردم نباشد کمتر نیست. نه فقط باید از دستاوردهای سکولار و برابری حقوقی زن و مرد و آزادی پوشش قاطعانه دفاع کرد بلکه باید از این خواستها فراتر رفت. نباید به هیچ ارتجاعی آوانس داد. هر نیروی را باید براساس رابطه اش با خواستهای کارگران و محرومان ارزیابی کرد. هر نیرو و دولتی که تن به خواستهای طبقه کارگر نمیدهد، سنگر بورژوازی است و باید برود.

سکولاریسم در تونس که مدیون قوانین و الگوهای فرانسه است یکی از قلمروهای است که میتواند بویژه با ورود جریانات اسلامی به صحنه ضربه بخورد. دفاع قاطع اردوی چپ جامعه از سکولاریسم و قوانین سکولار، از اصل جدائی دین از دولت و جدائی دین از آموزش و پرورش، تلاش برای لغو هر قانونی که بنحوی از انحراف نوابری و تبعیض و

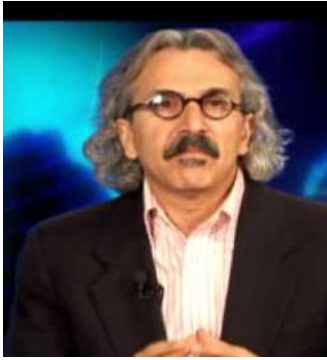
بویژه بدنه اتحادیه های کارگری، برخلاف رهبران سازشکار و رفرمیست شان، به رادیکال بودن شهرت دارند و در این اعتراضات و بسج توده ای نقش اساسی داشتند. این نیرو با ادامه این راه و با تعرض انقلابی و گرفتن قدرت در کارخانه ها و محلات و شهرها، با مخالفت مستمر با جریانات دولتی و نهادها و قوانین رژیم سابق، و با آماده شدن برای یک انقلاب توده ای کارگری برای کسب قدرت میتواند افق پیروزی سوسیالیسم در تونس را ترسیم و جهان را تکان بدهد. به نظر من کسی از پیش شکست را نپذیرفته است. کشمکش ادامه دارد. این ویژگی دوره انقلابی است که حلقه ها و شرایط بخشا متضاد و گذرا و موقتی را از سر میگذراند. طبقه کارگر تونس در طول حیاتش تاکنون این درجه امکان برای یک پیروزی کارگری نداشته است. موانع و ضعفهای جدی و چه بسا سرنوشت ساز وجود دارند اما اگر این افق باشد میتواند بسرعت حل شود. انقلاب کارگری چیزی جز اعمال اراده متحد کارگران برای برقراری حکومت کارگری نیست. آنهاست که "با ثبات ترین" دولت سرمایه داری و سوگلی بانک جهانی را بزیر کشیدند، حق دارند و میتوانند و باید دولت موقت ضد انقلابی بورژوازی را نیز بزیر بکشند و با برپائی دولت انقلابی کارگران دست بکار الغای نظم موجود و دنیائی بهتر شوند. این نه فقط میتواند در صورت پاسخ دادن به این ملزومات عملی باشد بلکه میتواند سرآغازی برای برچیدن اسلام سیاسی و حکومتهای فاسد و دیکتاتور در کل آفریقا و خاورمیانه و جهان باشد.

ما مشتاقانه و با هیجان و غرور تحولات تونس و تلاش جنبش طبقه مان را دنبال میکنیم و برای تاثیر گذاری بر روند رویدادها به نفع کارگر و کمونیسم از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد.\*

مردسالاری را پاس میدارد، دفاع از حقوق کودکان و غیره، سنگرهای است که کار اسلامیتها را سخت میکند. اسلامی ها نمیتوانند افق ضد غربی و ضد آمریکائی را در تونس مسلط کنند. اگر این افق در این جامعه محلی از اعراب داشت ما شاهد تحرک اسلاميون در این اعتراضات بودیم. برعکس، اسلامیهها نه فقط حضور نداشتند بلکه مخالف بودند و در کشورهای دیگر هم جریانات اسلامی یا علیه سیاستهای صرفه جوئی ساکت اند و یا مانند ایران راسا در اجرای آن آدمکشی میکنند. اتفاقا خطر جریان اسلامی تونس اینست که نوع اسلام اردوغان ترکیه است. این جریانی مطلوب آمریکا است و در مقابل دولتهای ارتشی مانند ترکیه و پاکستان این جریان اسلامی طرفدار غرب جلو صحنه رانده شده است. حتما تلاش میکنند این نیرو را به گوشه ای از قدرت سیاسی آتی بعنوان اپوزیسیونی که ممنوع بوده است وصل کنند. اگر کارگران پرچم مستقل منافع طبقاتی شان را برافرازند، اگر بتوانند طی ایندوره در پیشاپیش آزادیخواهی جامعه قرار گیرند و با شعارها و خواستهای آزادیخواهانه شان بمیدان بورژوازی کار زیادی از دستش برنمی آید. اسلامیهها شاید بتوانند در پس تحمیل جنگ داخلی و مسائلی از جنس کودتا و تروریسم توسط دولتهای غربی بجلو صحنه پرتاب شوند. اما این اقدامات در شرایط کنونی هنوز غیر عملی و از نظر جامعه غیر قابل تحمل است. اما این خطر مردم انقلابی تونس را تهدید میکند و جزئی از آرایش نیروهای طبقه حاکم برای اعاده وضع موجود است.

امکان شکلگیری یک انقلاب کارگری در دل این اوضاع به شرط تحقق نکات بالا وجود دارد. این خیزش و قیام توده ای در تونس از ابتدا کارگری بود. توده وسیع گرسنگان، کارگران، بیکاران، نیروهای اولیه اعتراض بودند. تا قبل از سقوط بن علی اعتصابات تقریبا سراسری اما اختطاری دو ساعته کارگران در مرکز تونس نشان داد که ابتکار عمل سیاسی هنوز دست نیروهای رادیکال است.





مردم تونس می بایست شرکت داشته باشند."

"تشکیل دولت موقت"، "برگزاری انتخابات"، "تدوین قانون اساسی" و سازماندهی دولت آتی بر مبنای قانون اساسی جدید بیانگر آن چهارچوب سیاسی است که همه الهامی و حزب متبوعش در پاسخ به اساسی ترین مساله جامعه یعنی قدرت سیاسی مطرح میکنند. و این چهارچوب شاید یکی از "چپ"ترین فورمولاسیونهایی باشد که در شرایط حاضر مطرح شده است. نقد کمونیسم کارگری به این چهارچوب کدامست؟ به تک تک این مولفه ها باید پرداخت:

### دولت موقت: کدام دولت موقت؟

حمله الهامی خواهان شکل دادن به دولت موقتی است که "انتخابات دمکراتیک" را سازماندهی کند. اما مساله اصلی این است که در درجه اول خود این "دولت موقت" در کدام پروسه اجتماعی شکل میگیرد؟ این دولت برخاسته از چه روند و پروسه اجتماعی است؟ چگونه "صلاحیت" چنین دولتی تأیید میشود و کلا این دولت در کدام پروسه رای اعتماد توده های کارگر و اکثریت عظیم مردم زحمتکش را از آن خود میکنند؟ و تمام کشمکش از همین نقطه آغاز میشود. واقعیت این است چنین "دولتی" تنها میتواند محصول و برخاسته از مبارزات مردم و تشکلهای توده ای آنها و نماینده مستقیم و بلاواسطه مردم زحمتکش باشد. بزرگترین کشیدن بورژوازی یک هدف مشخص این اعتراضات است. نتیجتاً هیچ جناحی از بورژوازی نمیتواند و نباید در مقام سازماندهی قدرت دولتی قرار بگیرد. هیچ بخشی از بورژوازی دارای مشروعیت سیاسی برای شکل دادن به قدرت سیاسی و "دولت موقت" نیست. مساله این نیست که چه تعداد از عناصر و نیروهای شناخته شده دستگاه حاکم در آن شرکت دارند، مساله بر سر جوهر و ماهیت طبقاتی این "دولت" است. و اگر نباید به هیچ بخش از بورژوازی اجازه سازمان یابی قدرت را داد نتیجتاً مساله سازمان دادن قدرت باید توسط کارگران و کمونیستها در درجه اول پاسخ

## کدام پروسه قدرت گیری سیاسی؟

نقدی بر نقطه نظرات همه الهامی رهبر حزب کمونیست کارگران تونس

علی جوادی

درجه ای به تحولات در تونس گره خورده است. اما تأثیر این تحولات به کشورهای عربی محدود نیست. ایران و بسیاری از کشورهای دیگر که درگیر مسائل مشابهی هستند از این تحولات متأثر خواهند شد.

۳- کارگران و مردم تونس در یک بوته تاریخی آزمایشی قرار دارند. سرنوشت قدرت سیاسی به خیابانها کشیده شده است. کشمکش اصلی جامعه بر سر چگونگی سازمانیابی و شکل دادن به مساله اساسی هر تحول انقلابی یعنی مساله قدرت سیاسی است. این شرایط موقعیت بسیار ویژه و تاریخی را برای کمونیسم و کارگر فراهم کرده است. اینکه کارگر و کمونیسم کدام پراتیک اجتماعی و سیاسی را در دستور خود قرار میدهند میتواند تبعات تعیین کننده ای برای آینده تحولات سیاسی دارد.

با این توضیحات مقدماتی باید به اصل مساله پرداخت. حمله الهامی دبیر کل حزب کارگران کمونیست تونس که حزبی در سنت سیاست انورخوجه است در پاسخ به سئوالات مصاحبه گر در مورد چگونگی شکل گیری حکومت آتی میگوید:

"ما احتیاج به دولت موقتی داریم که بخواهد و در این موقعیت قرار داشته باشد انتخابات دمکراتیک را سازماندهی کند و قانون اساسی جدیدی را پیش نویسی کند. در این انتخابات و قانون اساسی تمامی گروه های اجتماعی

حمله الهامی دبیر کل حزب کمونیست کارگران تونس است که در گفتگویی با "گیتا دوپرنال" نقطه نظرات سیاسی این حزب را در باره تحولات تونس ارائه داده است. در این یادداشت به مساله چگونگی سازمان دادن قدرت سیاسی در تونس و چهارچوبهای ارائه شده از جانب این جریان پرداخته میشود. اما پیش از پرداختن به مساله مورد بحث به چند نکته حیاتی در حاشیه خود موضوع باید اشاره کرد.

۱- کارگران و مردم زحمتکش در تونس توانستند در اعتراضاتی چشمگیر تغییرات وسیعی را در تونس ایجاد کنند. سقوط دیکتاتوری بورژوازی حاکم اولین دستاورد این جنبش توده ای بود. این مردم آزادی میخواهند، برابری میخواهند، رفاه میخواهند. و تحقق این خواستههای دیرینه کارگران و مردم زحمتکش در گرو تصرف قدرت سیاسی و یا به عبارت دیگر در گرو شکل دادن به قدرتی است که هدفش تحقق پایه ای این خواستههای پایه ای است.

۲- آنچه که بعضاً "جهان عرب" نامیده میشود به شدت از اعتراضات مردم در تونس تأثیر پذیرفته است. اعتراضات در الجزایر، مصر، اردن و یمن عملاً نشان داده است که این توده های مردم در این جوامع خود را در این اعتراضات شریک میدانند و هر پیشروی آن را پیشروی و پیروزی خود قلمداد میکنند. این اعتراضات نوری بر راه پیشروی توده های مردم زحمتکش در سایر جوامع عرب زبان تابانده و زمین زیر پای حکومتهای بورژوازی در این جوامع را داغ کرده است. آینده تحولات در این جوامع نیز به

سیاسی خود را بگیرد. ما کمونیستهای کارگری در این شرایط بر این باوریم که تنها پروسه ای که میتواند قدرت مشروع سیاسی را در تونس شکل دهد که برخاسته از تشکل توده های مردم بپاخواسته باشد. مردم برای سرنگونی رژیم سیاسی و اقتصادی در خیابانها بسر میبرند. قدرت سیاسی حاکم باید بر این قدرت سیاسی در جامعه متکی باشد، برخاسته از آن باشد. آن کلیشه قدیمی که میگفت "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید" را با کمی تغییر و بدون انکار یا کم کردن نقش قهر و مبارزه قهرآمیز در تعیین تکلیف با بورژوازی باید گفت که "قدرت سیاسی از تشکل توده های کارگر و مردم زحمتکش بیرون می آید"! این قدرت باید منعکس کننده رای و اراده توده های مردم بپاخواسته باشد. از نقطه نظر ما تنها شوراهای نمایندگان مستقیم مردم میتوانند و باید چنین پروژره ای را در دستور خود و جامعه قرار دهند.

بورژوازی خواهان شکل دادن به قدرت سیاسی از بالاست. آنچه در حال حاضر در تونس در جریان است تجدید آرایش بورژوازی برای دستیابی به نقطه سازی در جامعه است. مساله اینجاست که نباید به چنین پروسه ای تن داد. هرگونه تمکینی در این راستا یک ضربه تعیین کننده به سرنوشت تحولات سیاسی و باختن این دور از تحولات سیاسی به بورژوازی است.

طرح همه الهامی مهمترین مساله شکل گیری قدرت سیاسی جدید در

## کدام پروسه قدرت گیری سیاسی؟

نقدی بر نقطه نظرات حمه الهامی رهبر حزب کمونیست کارگران تونس ...

میدهند که نه تنها هیچگونه پاسخگویی به توده های مردم ندارند بلکه قدرت را از مردم سلب کرده و در دست مجموعه ای متمرکز میکند که اساسا بر سرنوشت سیاسی مردم حاکم میشوند.

در مقابل ما بر پروسه تعیین نمایندگان سیاسی برخاسته از شوراهای مردم تاکید میکنیم. این شوراها در برگیرنده تمامی ساکنین جامعه است. همه احزاب و تشکلات سیاسی میتوانند درون این شوراها فعال باشند. هر کس که به سن بلوغ سیاسی رسیده باشد میتواند انتخاب کند و انتخاب شود. و هر زمان که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند میتوانند انتخاب شدگان را عزل کنند و تغییر دهند.

تونس یعنی "دولت موقت" را باز میگذارد و حداکثر اشاره ای که به این مساله دارد این است که این دولت باید از "شخصیتهای قابل اعتماد مردم و از میان خود مردم ... تشکیل شود." در صورتیکه تمام مساله این است که این "شخصیتهای" چگونه توانسته اند "اعتماد مردم" را جلب کنند؟ این "شخصیتهای" در چه مناسباتی با توده های مردم بپاخواسته قرار دارند؟ اگر مردم آنها را نخواستند چگونه آنها را عزل میکنند؟ از نقطه نظر ما شوراهای توده های مردم بپاخواسته مناسبترین ظرف سیاسی جهت شکل دادن به آن قدرت دولتی است که بتواند نه تنها ساختارها و قوانین حاکم بر جامعه را تعریف و تبیین کند بلکه بتواند در شکل گیری آن نقش ایفاء کند. و این مساله ما را به پروسه تعیین این ظرف سیاسی و "برگزاری انتخابات" میرساند.

### "برگزاری انتخابات": کدام انتخاب؟

مساله حیاتی دیگر مساله پروسه شکل دادن به این نهاد، نهاد برگزار کننده انتخاب، است. باید اذعان کرد که بورژوازی در این زمینه دارای سابقه طولانی و تجربیات بسیاری است. در اینجا باید با صراحت کمونیستی اعلام کرد که "انتخابات" مورد نظر بورژوازی از اساس پروسه ای برای کنار گذاشتن و حاشیه ای کردن قدرت کارگر و توده های مردم زحمتکش در جامعه و مشخصا در چنین دورانی است. معمولا نتیجه چنین انتخاباتی از پیش روشن است. با مشتکی پلاکاردهای تبلیغاتی و کمپین های رادیو و تلویزیونی و ماهواره ای با تمام قدرت مالی بورژوازی به جان مردم می افتند و "شخصیتهایی" را "از میان مردم" در موقعیت و مقام تعیین سرنوشت سیاسی جامعه قرار

### "مجلس موسسان": کدام قوانین؟

مساله محوری دیگر مساله "مجلس موسسان" است. حمه الهامی مانند بسیاری دیگر از نیروهای بورژوایی خواهان شکل گیری مجلس موسسان

به لحاظ سیاسی یک هدف "مجلس موسسان" خارج کردن پروسه تصمیم گیری از کنترل و نفوذ اراده مردم بپاخواسته و توده های کارگر و زحمتکش است. نفس شکل گیری مجلس موسسان در عین حال به معنی سلب قدرت سیاسی از چنگ کارگر و زحمتکش در جامعه است. مردمی که سرنوشت خود را در اختیار چنین ارگانی قرار میدهند از پیش حکم به تسلیم خود داده اند.

در خاتمه باید تاکید کرد: "دولت موقت"، "برگزاری انتخابات"، "مجلس موسسان" جملگی پروسه ای برای شکل دادن، اعاده و بازسازی قدرت سیاسی بورژوازی در تونس هستند. کارگران و مردم زحمتکش در تونس میتوانند قدرت خود را از مجرای سازماندهی و شکل دادن به شوراهای خود عملا ابتکار سازماندهی قدرت سیاسی در تونس را در اختیار خود قرار دهند.\*

## تصحیح یک اشتباه

### "حزب کمونیست کارگری تونس" یا "حزب کارگران کمونیست تونس"

سایت "اخبار روز" در تاریخ ۲۴ ژانویه ۲۰۱۱ مصاحبه ای را با حمه الهامی را منتشر کرده است که از ایشان در آن مصاحبه بعنوان دبیر کل "حزب کمونیست کارگری تونس" نام برده شده است.

بدینوسیله به اطلاع میرسانیم که ایشان دبیر کل "حزب کارگران کمونیست تونس" و نه "حزب کمونیست کارگری تونس" هستند. نام کامل انگلیسی این حزب همانطور که در سایت رسمی شان قید شده Communist Workers Party of Tunisia است. این حزب به سنت و گرایش سیاسی انور خوجه تعلق دارد.

### روابط عمومی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۴ ژانویه ۲۰۱۱

## مجمع عمومی کارگری

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید. مجمع عمومی ظرف دخالت مستقیم و مستمر توده کارگران است. مجمع عمومی رکن اساسی شوراهای کارگری است. جنبش مجامع عمومی منظم را تقویت کنید!

سرمایه داری است.

رویدادهای مصر مهم و تعیین کننده است. اولا مصر بعنوان یک کشور قدیمی با قریب 80 میلیون جمعیت، با سنتهای سیاسی ریشه دار، جنبش کارگری قوی، و موثر در تحولات جهان عرب، هر اتفاقی در آن کل کشورهای عربی را مستقیما و بلافاصله تحت تاثیر قرار میدهد. ثانيا، ادامه این تحولات در کشورهای مختلف کمکی به پیشروی در تونس است. ثالثا الگوی تونس الگویی غیر اسلامی، ضد دیکتاتوری، ضد فقر و فلاکت، سکولار و آزادیخواهانه است. آنچه شاهد هستیم نسیم یک موج چپ و آغاز یک دوره انقلابی است که نتایج آن تاثیرات تعیین کننده ای بر کل سیمای خاورمیانه و جهان خواهد گذاشت. از هم اکنون اسلام سیاسی به نفس نفس افتاده است و علیرغم اینکه مطلقا نباید تحركات و توطئه هایش را دستکم گرفت اما آلترناتیو وضع موجود نیست. ثالثا جمهوری اسلامی ایران هدف بعدی است. باید بسرعت منتظر تکرار وقایع تونس و مصر در ابعاد وسیع تری در ایران بود. امری که تلاش برای آن بسیار زودتر شروع شده و رویدادهای اخیر اراده برای جمع کردن بساط دیکتاتوری اسلامی سرمایه در ایران را تشدید میکند.

زنده باد کارگران و مردم انقلابی مصر! حسنی مبارک باید برود! نه به فقر و اختناق، زنده باد آزادی و رفاه! ما شورش گرسنگان علیه فقر و بیکاری و اختناق سرمایه داری را بسیار پیشتر پیش بینی کرده به استقبال آن رفته بودیم. برای کمونسم کارگری پیروزی مبارزه توده ای علیه فقر و اختناق و سرنگون ساختن دیکتاتوریهایی سلطنتی و ناسیونالیستی و اسلامی، میتواند و باید بعنوان تخته پرشی در خدمت یک انقلاب عظیم کارگری قرار گیرد. انقلابی که با سرنگونی سرمایه داری بطور واقعی شپور عصر "پایان دیکتاتوریهها" را بصدا درخواهد آورد.\*



## حسنى مبارك بايد برود!

"پایان دیکتاتوریهها؟"

سیاوش دانشور

ببرند.

دولتهای غربی دیر زمانی است که با بحران حکومت آلترناتیو روبرو هستند. در دوران جنگ سرد حکومتهای طرفدار آمریکا، که عمدتا کودتائی بودند، در اساس مبتنی بر حاکمیت مستقیم و غیر مستقیم ارتشها و نظامها بود. ایران، ترکیه، پاکستان، عراق از جمله آخرین نمونه ها بودند. بعد از پایان جنگ سرد اشکالی از فدرالیسم و ترکیبی اسلام و قوم پرستی ماتریال دولتهای طرفدار غرب شد. مانند یوگسلاوی، عراق، افغانستان. دیکتاتوریهای کشورهای موسوم به "جهان عرب" که عمدتا از پایان جنگ دوم و با تفاوتی ویژه هر کشور و افت و خیزهایی در متن تقابل دو بلوک شرق و غرب سرکار بوده اند، دیگر تماما به ته خط رسیدند. این مردم طی سه دهه گذشته توحش دیکتاتوری های اسلامی را هم تجربه کردند. بی دلیل نیست که اسلام در رویدادهای تونس و مصر بی رنگ است. اسلام سیاسی هر چه در توان داشته در ایران، عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین، سودان و غیره به دنیا نشان داده است. مردم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مستقیم تر قربانی تروریسم و تحجر اسلامی بودند و مزه دیکتاتوری اسلامی را خوب چشیده اند. یک رکن پیشروی مبارزات کنونی بن بست اسلام سیاسی است. همینطور وقتی دقیق تر مواضع دولتهای غربی را در قبال این رویدادها نگاه میکنید، میبینید آنها علیرغم مانور و تلاشهای مختلف برای اعاده اوضاع سابق، آچمز هستند و اساسا با این روند جدید خوانائی ندارند. این دولتهای مورد حمایت آنهاست که یکی بعد از دیگری در آتش اعتراض توده ای علیه فقر و اختناق میسوزد. باید امیدوار بود که اینبار "پایان دیکتاتوریهها" با موج جدید آغاز شده است و موفقیت واقعی آن در گرو زدن ریشه این مصائب و کلیه قوانین مترتب به آن، یعنی نظام

مبارک و خانواده اش با مقادیر زیادی پول فرار کرده است.

یادمان هست با سقوط بلوک شرق، تئوریسین های پست مدرنیست غربی تز "پایان دیکتاتوریهها" را مطرح کردند. آنزمان ما روشن گفتیم که در جدال اقتصاد دولتی و اقتصاد بازار، که هر دو سرمایه داری و مبتنی بر دیکتاتوری است، تز "پایان دیکتاتوریهها" پوچ است. دیکتاتوری نیاز سرمایه است و تا سرمایه هست دیکتاتوری برقرار است. خیلی زود معلوم شد که در پس این شعار و با پرچم راست افراطی و بازار آزاد، دیکتاتوری های سرمایه همه جا به انحای مختلف تحکیم شدند و وسیع ترین کشتارها را سازمان دادند. اما امروز فرق میکند. امروز موج برگشتی علیه سرمایه داری شروع شده که نیروی محرکه آن کارگران و مردم زحمتکش هستند. دو دهه کافی بود که کشتی بازار آزاد به گل بنشیند، بحران اقتصادی سرمایه بسیار عمیق تر از بحرانهای قبلی بار دیگر تناقضات سرمایه داری را برملا کند، و تبعات آن در جهان سرمایه داری خود را نشان دهد. آنچه در تونس و مصر و دیگر کشورها میگذرد گوشه ای از تصویر آتی سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا است که موج آن مجددا به اروپا برخواهد گشت. آنچه مسلم است دیگر مردم دیکتاتوریههای مادام العمر، حکومتهای استبدادی و نوکر بانک جهانی، رژیمهای مبتنی بر فقر و فلاکت و اختناق را نمیپذیرند. عمر مبارک ها، قذافی ها، خامنه ای ها، شاه حسین ها، بشار اسدها، و شاه فهد ها تمام شده است. در این موج بعید است حتی کرزای ها و طالبانی ها جان سالم بدر

بندبال قیام مردم تونس که به سقوط دولت و فرار بن علی دیکتاتور کودتاچی منجر شد، موجی از اعتراضات علیه فقر در کشورهای منطقه براه افتاد. الجزیره، اردن، مصر، سودان، لیبی و همه جا با مردم کارگر و زحمتکش به خیابانها ریختند و با اوضاع بشدت ملتهب و بحرانی است. سران برخی کشورها از عربستان و قطر و اردن و حتی مصر فوراً تلاش کردند با بازپس گیری طرح حذف سوبسیدها و ثابت نگهداشتن نرخ ارزاق عمومی اعتراضات را کنترل کنند و حکومت شان را نجات دهند. تاریخ همواره تکرار میشود. ظاهرا این تمهیدات دیگر دیر شده است.

دیروز سه شنبه 25 ژانویه مصر منفجر شد. در سراسر مصر تظاهراتهای وسیعی با شعار "مرگ بر حسنی مبارک"، "مبارک باید برود"، "نه به فقر"، "بعد از بن علی نوبت حسنی مبارک است"، "تونس راه حل است" و ... شروع و به درگیری با نیروی سرکوب منجر شد. پلیس ضد شورش وحشیانه به تقابل پرداخت اما بسرعت توسط تظاهر کنندگان درهم شکست. بنا به گزارش رسانه های بین المللی و شبکه های فعالین در مصر در این اعتراضات 2 تظاهر کننده و یک پلیس کشته شده اند. جوانان از شبکه فیس بوک و تویتر برای بسیج مردم استفاده کردند. بسیاری از فعالین حرکت دیروز را "انقلابی علیه دیکتاتوری و فقر و فساد" تبیین کرده اند. اگرچه نیروهای اپوزیسیون لیبرال و جریان اسلامی اخوان المسلمین از اعتراضات دیروز حمایت کردند اما سیاست حاکم به این اعتراضات دست کارگران و مردم رادیکالی بود که میخواهند مبارک را پائین بکشند و راه تونس را بروند. تا هم اکنون فرزند حسنی

## برف و شهردار قالیباف

پدرام نواندیش

به خانه که رسیدم خیلی تعجب کردم، در کوچه هیچ برفی نبود! یادم آمد وقتی که می رفتم کوچه پر از برف بود. در خانه خبر دار شدم که اکیپ برف روی این منطقه آمده و برف ها را جمع کردند، بار کردند، بردند! از این کار خستگی در تنم ماند. فردای آن روز بعد از پیدا کردن پیمانکار، ۱۰ میلیون تومان جریمه اش کردم تا بدانند کوچه شهروندان مثل کوچه شهردار باید در اولین ساعات صبح برفی به بهترین شکل تمیز شده باشد. این مطلبی است که محمد باقر قالی باف در وبلاک خود نوشته اند.

راستی مبلغ قرارداد چقدر است؟ ده میلیون تومان چقدر میشه؟ با 10 میلیون تومان میشه نون خرید؟ اون صاحب کارگران کی بود که 10 میلیون تومان داد و به کارگران هنوز پول نداده و نمیده و خیال هم نداره بده؟ از اقوام ما که نیست. از اقوام غلام گدا هم که نیست. نکنه از فامیل های عمه زبیده باشه؟ نه. فکر نمی کنم. چون عمه زبیده سقف خونشون همیشه آب میده و کفتهاش تا به تاست. نه این که از روی دم باشه. آخه عمه زبیده اون ها را وقتی سیلاب های شمال شهر به طرف پایین اومده بود پیدا کرده بود. خوب پس از فک و قایل عمه زبیده محال است باشه.

عجیب گیری داده این انگشت های من؟ من را وادار می کنه که بنویسم... خوب بابا.. خوب، فامیل یکی هستش دیگه. اصلا فامیل این آقای قالیباف است. همین شهردار ... خوب فامیل است. فامیل برای چه وقتی است؟ ببین به چه راحتی هم جریمه اش می کنه؟ ببین و حالشو ببر. می گی چی؟ می گی نکنه اصلن فامیل مامیلی در کار نباشه و یک جورایی... آره ... نه من که میگم این حرفها را نزن. بچه سنگ

میشی. این حرفهای گنده گنده چیه که می زنی؟ آخه تو را چه به این حرفها؟ گیرم فامیلی هم نباشه و خود آقای قالیباف یکی از فامیل هاش را که رحلت کرده از یادها بیرون کشیده و شرکتی به یاد اون مرحوم به ثبت رسونده و این قرار داد را به مناسبت چندمین سال ارتحال آن مرحوم منعقد کرده. خوب مگر کار بدی کرده؟ چطور آقای رحیمی معاون رئیس جمهور در زمان ریاستش در بیمه کرج هزاران مرتحل را زنده کرد و حق بیمه برایشان گرفت. چیزی نگفت. حالا هم گیر دادی به این چندر غاز میلیارد تومان قرار داد که چی شده و باکی بسته شده و از این حرفها؟

اون بابا 700 میلیارد تومان پول اون مرتحلین را زنده کرد و کسی چیزی نگفت و حالا گیر دادی به این شهردار که جونشو کف خیابونا گذاشته؟ این آقای قالیباف شهردار که نه یک پارچه خلبان، یک پارچه فرمانده نیروی انتظامی و یک پارچه کاندید ریاست جمهوری است. اون وقتی که با فرمانده نظری به طرف امیر آباد شمالی میرفت تا اون عوامل خارجی را از بالای ساختمان های دانشجویان به پایین پرت کنند تو کجا بودی؟ اون ها که تو خوابگاهها خوشونو به دانشجو مردگی زده بودند، دانشجو نبودند. اونها عوامل خارجی بودند. این شهردار جون بر خیابان گذاشته از اون موقع نشون داد چقدر قاطعه.

فامیل مامیل حالیش نیست... وقتی طی یک شب حساب کار اون همه عوامل خارجی که تو خواب گاهها خوبیده بودند رسید، معلومه که 10 میلیون

تومن که چیزی نیست؛ حاضره چندین ماه حقوق کارگران شهرداری را هم قطع کنه. اصلا 10 میلیون تومن سر شکن بشه به حقوق های کارگران. مگه نشنیدین که میگویند تشویق مال یک نفره تنبیه مال هزاران کارگر شهرداری؟ این که نشد. فامیل شهردار تنبیه و جریمه بشه، اونوقت کارگرها پادشاهی زندگی کنند؟

شاید در راستای انتقال این تجارب ارزنده است که شهردار سمینار و چهار مینار بر گزار می کنه. بابا این شهر داره خیلی فعال است. تو چرا دهنتو این جورو آنجور می کنی؟ چیه ندیدی؟ شهردار فعال ندیدی... آخ طفلک ... این قدر مثل ندید بدیدها نباش. شهردار وظیفه شناس اومده جریمه کرده. تازه این که چیزی نیست. کارفرماهای وظیفه شناس دیگری هستند که شهردار قالیباف بایستی جلو اونها لنگ بندازه. مثلا همین شرکت تبریز ساختمان... آقا نمیدونی چقدر قاطع و چقدر سریع جریمه میکنه... کارگراشو به مدت 11 ماه جریمه کرده و به اونها حقوق نمیده ... این که چیزی نیست ... همین لوله سازی خوزستان... همین کارخونه 18 ماه، اره 18 ماه کارگراشو جریمه کرده و به اونها حقوق نمیده. این کارخونه بود که تو تلویزیون همش تبلیغشو میکرد و می گفت همیشه تاز، آره این کارخونه 50 نفر از کارگراشو خیلی قاطعانه اخراج کرده و کوتاه نمیداد.

تشویق برای کارفرما و تنبیه برای همه کارگران. این موضوع سمینار های شهردار جان بر خیابان است. دیدی ... دیدی گفتم... همه اونها یاد گرفتن و حالا دارند کرکری می خوندن. چون تو خوب فکری یادشون داده این شهردار ما. تو حساب کن اگر یک کارفرما بخواد وام بگیره مثلا 100 میلیارد تومن. خوب ... خوب دیگه ماهی خداتومن باید سودشو بده ... حالا اگر این حقوق کارگرها را مثلا یک چند ماهی دیرتر بدهند آسمان به زمین که نمیرسد که. مثلا 600 نفر کارگران همین کارخانه لوله سازی خوزستان، 18 ماه دستمزد نگرفته اند... خوب نمی میمیرند... عوض آن

کارخانه دار، همین دولت امام زمانی مجبور نیست که خدا تومن وام بگیره و خدا تومن هم سود بده به این بانک ها. آقا جون سود دادن حرام است... مگه میشه آدم نونی که می خوره حرام بیافته توی آن؟ سود دادن به بانک حرام است... کارگرها دستمزد نگیرند و کار کنند. این راه خوبی است... ما هم به خود کفایی خواهیم رسید. به همه جا اعلام بشه از این پس همه باید کار کنند و دستمزد نگیرند. اصلا چه معنی داره دستمزد؟ تازه وقتی دستمزد بی معنی بشه، اضافه کردن اون هم خیلی بی معنی تره. با این پول های امام زمانی که 2 ماه یک بار به حساب ها واریز میشه هم می توان زندگی کرد.

این پول برکت داره. تازه می بینی آخر ماه به چیزی هم باقی می مونه. شهردار همش ترسش از این است که نکنه کارگران گول عوامل خارجی را بخورند و حرف از دستمزد بزنند. شهردار که میره پیش آقا و از قول آقا نقل میکنه که: بهتره کارگران بدانند که همه این آشوب ها زیر سر این کمونیست های کارگری است. این کمونیست های کارگری تو روز روشن اعلام کرده اند که دشمن شهردار و کارفرما، امام زمان و آقا هستند.

راستش این شهردار آنقدر شجاع و جان بر خیابان است که خودش حاضره لباس شهردار را با لباس ریاست جمهوری یا فرمادهی عوض کنه و دوباره به جنگ کمونیستهای کارگری که این بار همشون تو کارخونه ها هستند بره.

عرق سردی بر پیشانی قالی باف نشسته است. موضوع سمینار بعدی ... دستمزد نمیدهیم... اخراج میکنیم... سرکوب می کنیم....

و اما فریاد های کارگران: نه به فقر، نه به گرسنگی، نه به اعدام، زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!\*



## سایه ای که در خلاء رنگ می بازد!

کوروش سمیعی

وقتی یک حزب سیاسی بدینگونه در بین جامعه نشر می کند و خاصیت حضور داشتن را دارد بی وقفه تبدیل به یک آلترناتیو ارزشمند در بین افکار عمومی می شود. آلترناتیوی که با روشن کردن مسیر و تبدیل شدن و پیوستن به موج های معترض جامعه حلقه های اتحاد را برای سرنگونی جمهوری اسلامی پیش از همیشه دوران محکم تر و منسجم تر می کند و علیه گرانی و فقر، علیه اعدام و تعرض به جان و روح، علیه تبعیض و آپارتاید از هر نوع و مثالی دست به مبارزه می زند و به جهان فراخوان سوسیالیسم و اتحاد برای کمونیسم کارگری را می دهد.

آنچه که از شرایط بحرانی در ایران به نظر می رسد سیل خروشان اعتراضات مردمی نسبت به فروپاشی جمهوری اسلامیست که در حال پایه گذاریست، اعتراضاتی که اینبار دیگر نه احتیاج به وسیله ای برای شروع دارد و نه با تلاش های عوامل نظام دست خوش تخفیف در مبارزه می شود. حرکت و جوشش آینده جامعه تلاشی خود جوش و مردمی برای از بین بردن نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. پس هر ظلمت از اینسوی دریچه ای خورشیدی در حال غروب است که نموری و تیرگی را به طلوعی بشارت دهد، که دیوها و دد منشانی که دست به سلاح برده اند و برای جراحت خواهی و جراحت پوشانی در میانند خود سایه هایی باشند که در خلاء رنگ می بازند!

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد حزب اتحاد کمونیسم کارگری ایران

به سحرگاه در قتل گاه های خونینش به اسم زندان، جانی را از بدنی می گیرد تا از کنارش چشم کسانی را که قصد به اعتراض و تقابل با شرایط موجود دارند را ترسانده باشد! هیچ چهار راه تاثیر گذاری در محله ها و خیابان های بزرگ شهر نیست که شبها محل پاتوق ارازل و اوپاش های حکومت و بسیجی ها نباشد. برخورد نیروهای پلیسی در سطح شهر با مردم با بهانه های مختلف از جمله حجاب و نوع پوشش فرد، بسیار توهین آمیز و عصبیست.

نوع برخورد نظام با بحران های درونی جامعه به گونه ایست که کاملاً می شود متوجه شد که از شرایط موجود جنایتکاران اسلامی رضایت کامل را دارند به گونه ای که خود مثل همیشه تبدیل به عامل فشار دیگری بر پیکره زندگی مردم شدند. بر خوردی که جامعه به خوبی با آن آشناست و سیاست های معکوس جمهوری اسلامی را بعد از این همه سال جنایت و خفقان به خوبی تشخیص می دهد و با حربه ای به مبارزه با آن بر می خیزد، جامعه ای که با تمام گرفتاری هایی که در پیش روی دارد همچنان جامعه ای پویا و زنده است که بی حرکت نمی ماند.

در این بین تلاش حزبی ما و حضور ما در جامعه از طریق های مختلف توانسته و می تواند افق دیگری را بین مردم و طبقه کارگر باز کند. افشاگری های ما و برخورد رادیکال و پراتیک حزبی ما نسبت به جریان کثیفی چون جمهوری اسلامی جدای به انزوا بردن خود حکومت در نزد افکار عمومی بین المللی با توجه به برگزاری تظاهرات ها و اکسیون های متعدد، نشر اخبارش باعث به هیجان آمدن جامعه حتی در این شرایط بحرانی شده.

خراب است کارفرماها و کارخانه ها دست به عدم وصول حقوق کارگران و یا اخراج آن ها نیز می زنند! حتی دوست کارگری از ایران می گفت که کار فرمایش در عوض در خواست اضافه شدن به حقوقش با توجه به شرایط موجود گفته که یارانه هارا دولت قرار است پخش کند تا بهانه ای دست شما کارگران نیفتد که طلب پول و سوء استفاده از شرایط کنید !!!

جامعه ای که با این مصائب رو به رو است آسیب شناسی خاص خود را دارد. تمرکز در بین افراد با توجه به مسائل موجود از بین می رود و چهره ها را عصبی تر و منزجر تر می کند. کوچکترین برخوردی می تواند با واکنش های بزرگی که از پس فکر خراب و گرفتاری های موجود نشئت میگیرد، توامان باشد و "در مملکتی که بزرگترین تولید کننده جرم در جهان است"، گرفتاری های بزرگی در پیش روی جامعه قرار می گیرد که آسیبش مستقیماً به کانون خانواده و ساختار روانی جامعه بر می گردد.

برخورد جمهوری اسلامی با مشکلات و معضلات مردم چون همیشه برخوردی کاملاً متضاد با آنچه که وظیفه یک حکومت در برابر مردم است در حال اتفاق است! جمهوری اسلامی در ماه گذشته با به وجود آوردن شرایط حکومت نظامی از ترس آشوب در شهرها و محله ها و با تجدید فشار و امنیتی کردن فضا قصد به ایجاد رعب و وحشت در دل مردم دارد به گونه ای که حتی پروسه اعدام های سیاسی را دوباره از سر گرفته و سحرگاه

در ایران وضعیت مردم بسیار نگران کننده است! آنچه که به روند معیشتی جامعه در حال گذار است جنایتی ست که تنها می تواند از یک دستگاه سرمایه داری و جنایت چون جمهوری اسلامی بر بیاید. قیمت اقلام معیشتی روز به روز در حال افزایش است و قدرت خرید مردم روز به روز رو به کاهش می رود. به گونه ای که قشری که تا قبل از اعمال تحریم ها جزء قشر متوسط جامعه بود هم که لااقل درگیر با مسائل معیشتی نمی شد، به طبقه محروم جامعه پیوسته. دولت جنایت و جنون که با حذف سوبسید ها فاز جدیدی از تجاوز به حیات انسانی را به جهانیان نشان داده است. قبل از این طرح اعلام کرده بود که به مردم یارانه ای پرداخت خواهد شد تا به قول خودشان عدالتی رعایت شود! عدالتی که قرار بود با پرداخت به هر نفر حدود چهل هزار تومان پاد زهری در برابر تورم کمر شکن در جامعه باشد. در حال حاضر تورم روز به روز در حال رشد است و دولت حتی نمی تواند از پس پرداخت همان دوزار ده شاهی یارانه هایش نیز بر بیاید. احمدی نژاد مردم را به صبوری دعوت میکند که صبر کنند و از جیب بخورند تا دولت پول به حساب ها بریزد! اما سوال برآستی اینجاست که کدام جیب آقای احمدی نژاد! آن چیزی که در جامعه مفهوم جیب دارد تا آن چیزی که در بین شما حکومتی ها و جانی ها و دزد ها، فرسنگ ها توفیر در ترجمه دارد! امروز مردم حتی قدرت خرید اولین مایحتاج لازمه برای زندگی خود را ندارند. از موعد های پرداخت اجاره خانه هایشان گذشته و سیلی از کارگران اخراجی اند، دیگر کدام جیب جناب؟ روز به روز تورم در حال افزایش است اما در افزایش حقوق کارگران کوچکترین اتفاقی که رخ نمی دهد هیچ! با بهانه های اینکه قدرت خرید مردم پایین آمده و یا بازار

اطلاعیه 5 کنگره اول حزب اتحاد کمونیسم کارگری

## نتیجه انتخابات نمایندگان سراسری کنگره

رفقا، بدینوسیله نتایج آرای انتخابات سراسری را بااطلاعتان میرسانیم. بیست نفر اول لیست نمایندگان منتخب کنگره هستند.

اسامی: درصد:

1- آنر ماجدی	100
2- علی جوادی	100
3- سیاوش دانشور	96
4- سیروان قادری	96
5- نسرین رمضانعلی	92
6- شهلا نوری	90
7- کریم نوری	88.5
8- مریم کوشا	79
9- سعید مدانلو	71
10- محمود احمدی	67
11- مجید پستانچی	67
12- هما ارجمند	67
13- فخری جواهری	65
14- شراره نوری	60
15- پروین کابلی	58
16- جلیل بهروزی	46
17- پدram نواندیش	46
18- مهدی طاهری	44

19- کامران پایدار	40
20- لایلا احمدی	39
21- احمد بابایی	37
22- مهرداد کوشا	35
23- جمال ارژنگ	33
24- جمشید عزیزی	31
25- بابک زحمتکشان	25
26- مریم نریمانی	25
27- سوسن علمی	23
28- علی طاهری	23
29- سیامک مرادی	19
30- بهار ابراهیمی	19
31- فریدون ناظمی	15
32- پروانه عسکریان	12
33- سیامند رحمانی	10
34- عباس کی آسا	10
35- فریبرز علاءالدین	8
36- بهرام نظرنیا	6
37- صادق امیر رحمانی	6
38- توحید اقدامی	6
39- سیاوش عباسی	4
40- اهورا پارسایی	4
41- نوید زکریایی	2
42- جهان صادقی	2

کمیته تدارک کنگره اول حزب اتحاد  
کمونیسم کارگری / 25 ژانویه 201129 ژانویه یک روز دیگر اعتراضی علیه  
حکومت اعدام و زندان برای آزادی بدون  
قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی.حکومت اسلامی رژیم بیش از صد هزار  
اعدام است. جمهوری اسلامی یک روز هم  
بدون اعدام و زندان و شکنجه قادر به بقاء  
نیست. مبارزه علیه اعدام و زندان یک رکن  
تعیین کننده در مبارزه برای سرنگونی رژیم  
اسلامی و دست یابی به جامعه ای آزاد و  
برابر و مرفه است. باید جمهوری اسلامی را  
در پیشگاه افکار عمومی مردم جهان به  
محاکمه کشید. باید یکصدا رژیم طالبانهای  
ایران را محکوم کرد. بشریت آزادیخواه در  
قرن بیست و یکم نباید حکومتهای اعدام و  
شکنجه را تحمل کند!حزب اتحاد کمونیسم کارگری از تمامی  
مردم آزادیخواه و برابری طلب می خواهد  
که این روز را به یک روز دیگر اعتراضی  
علیه حکومت اسلامی اعدام و شکنجه و  
زندان تبدیل کنیم و سرنگونی حکومت اعدام  
و زندان را برای آزادی زندانیان سیاسی هم  
فریاد شویم.زمان: شنبه 29 ژانویه 2011 ساعت  
14.00مکان: تجمع در میدان گوستاو آدولف  
Järntorget راهپیمایی به طرفبرای اطلاعات بیشتری توانید با کریم  
نوری 0704441555 تماس بگیرید.حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد  
گوتنبرگ  
21 ژانویه 2011

## کارگر زندانی،

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه  
ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و  
ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی  
آموزش است.
<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

بیانیه تشکلهای کارگری پیرامون وضعیت دستمزد کارگران

## این وضعیت برای کارگران غیرقابل تحمل است!

به گزارش سایت سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، متن این اطلاعیه که به امضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه رسیده، به شرح زیر است:

افزایش حداقل دستمزدها باید متناسب با تورم و تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی باشد.

حداقل دستمزدی که در طول سالهای گذشته و بدون حضور نماینده های واقعی ما در شورای عالی کار تعیین شده است بهیچوجه در طول این سالها کفاف هزینه های زندگی ما را نکرده است و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال ما کارگران و خانواده هایمان در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته ایم.

قرار بوده است افزایش هر ساله حداقل دستمزد کارگران متناسب با تورم و سبب هزینه یک خانوار چهار نفره باشد. اما آیا در طول سالهای گذشته چنین چیزی در تعیین حداقل دستمزدها رعایت شده است؟ طبق اظهار نظر کارشناسان اقتصادی در سال گذشته خط فقر نزدیک به یک میلیون تومان بوده است اما حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته را ۳۰۳ هزار تومان تعیین کردند که با احتساب سایر موارد قانونی مربوط به دستمزدهای کارگران حداکثر دریافتی اکثریت عظیم آنان به ۵۰۰ هزار تومان نیز نمیرسد. آیا تعیین چنین دستمزدی با اذعان به خط فقر یک میلیون تومانی جز این است که صراحتاً ما کارگران را محکوم به زندگی در زیر خط فقر کرده اند؟ آیا چنین وضعیتی برای تعیین کنندگان حداقل دستمزد و خانواده های آنان قابل تحمل است که برای ما کارگران نیز قابل تحمل باشد. آیا واقعا حتی دو میلیون تومان دستمزد هم در شرایط اقتصادی کنونی و با آزاد سازی قیمتها کفاف تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره را میدهد؟

از نظر ما اگر قرار شده است قیمت اکثر کالاهای اساسی زندگی چندین برابر بشود ما کارگران نیز حق داریم دستمزدهای خود را به چندین برابر افزایش دهیم. آیا به جز این است که نیروی کار ما کارگران تنها کالایی است که ما از طریق فروش آن به صاحبان سرمایه امرار معاش میکنیم؟ آنوقت چرا باید وقتی نوبت تعیین قیمت نیروی کار ما کارگران فرا میرسد ما باید نظاره گر باشیم و عده ای در شورای عالی کار بدون حضور نماینده های واقعی ما، قیمت نیروی کار ما را تعیین بکنند و یک زندگی زیر خط فقر را بر ما و خانواده هایمان تحمیل نمایند.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکل های مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه،

بهمن ۱۳۸۹

### مجمع عمومی کارگری

کارگران در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید. مجمع عمومی ظرف دخالت مستقیم و مستمر توده کارگران است. مجمع عمومی رکن اساسی شوراهای کارگری است. جنبش مجامع عمومی منظم را تقویت کنید!

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلاپی تبدیل میشود!

منصور حکمت

جانباختن این کارگران را به خانواده های آنها و همکاران و طبقه کارگر ایران صمیمانه تسلیت میگوید. حزب برای بهبود مجروحین این رویداد آرزوی سلامت و بهبودی دارد. حزب از اعتراض برحق و کوبنده کارگران علیه فشار کار و شرایط برده وار و پادگانی مجتمع صنعتی ایران خودرو حمایت میکند و کارگران را به اتحاد و اعتصاب در بخشهای مختلف فرا میخواند. ضروری است کارگران در سراسر کشور با ابراز همدردی و همبستگی با کارگران جانباخته در ایران خودرو، ضمن اعتراض به این وضعیت فلاکت بار که کارگران در هر مرکز تولیدی با آن روبرو هستند، خواهان آزادی کارگران دستگیر شده شوند.

"بن علی" های ایران هم باید بروند. دوره تعرض و اعتراض کارگری فرا رسیده است. همه جا شوراها را برپا کنیم و به پیشواز اعتراضات متحد توده ای علیه فقر و اختناق برویم.

#### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

6 بهمن 1389 - 26 ژانویه 2010

# قتل عام کارگران ایران خودرو، اعتراض کوبنده علیه جنایت سرمایه داران!

در جاده مخصوص کرج و کلیه خیابانهای اصلی و فرعی منتهی به ایران خودرو به اشغال و محاصره بیش از هزار نفر از پاسدار بسیجی های مسلح موتور سوار و انواع مزدوران پلیس ضد شورش در آمده است. اما با این حال تا این لحظه اعتصاب و اعتراض برحق و کوبنده کارگران ادامه دارد. لازم به یاد آوریست به دنبال مرگ دردناک 9 کارگر و مجروح شدن تعدادی و همچنین سرکوب وحشیانه کارگران اعتصابی و معترض توسط مزدوران حکومت اسلامی، از دیشب تا این لحظه روحیه خشم و اعتراض کارگران علیه حکومت اسلامی سرمایه داران به دیگر بخشهای ایران خودرو از جمله شرکت مهر کام پارس و ... نیز سرایت نموده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

(اعزامی از پایگاه بسیج مقداد در خیابان آزادی) به همراه انواع پلیس ضد شورش مجهز به همه تجهیزات سرکوب و لباس شخصی های مزدور، کارگران معترض را به محاصره در آورده و بر اثر ضرب و شتم مزدوران حکومتی تعدادی از کارگران مجروح و تعدادی را دستگیر کردند. تاکنون از تعداد و محل نگهداری کارگران دستگیر شده خبری در دست نیست.

از ساعت 12 شب گذشته و به دنبال اعتصاب و اعتراض کارگران شیفت 3 خط تولید کار تعطیل شده و از صبح امروز چهارشنبه نیز کارگران شیفت یک با اعتصاب و اعتراض خود به کارگران اعتصابی شیفت 3 پیوسته اند. هم اکنون ساعت 30/3 عصر کارگران شیفت 2 نیز با تعطیلی کار به دیگر کارگران اعتصابی و معترض پیوسته اند. اما با اینحال مدیران جنایتکار، قاتل و دزد ایران خودرو میکوشند با توسل به تهدید و ارباب و ایجاد شکاف در میان صفوف کارگران، کارگران شیفت 2 را مجبور به شکستن اعتصاب و راه اندازی خط تولید نمایند. حراستها و مدیران ایران خودرو به کارگران با تعطیل نمودن کار در خیابان اصلی ایران خودرو دست به تجمع اعتراضی زدند. به دنبال اعتراضات ضد حکومتی کارگران و بنا به درخواست حراست و مدیران اوباش ایران خودرو در نیمه های شب گذشته صدها موتور سوار مسلح اوباش بسیجی و پاسدار

بنا به خبر دریافتی، دیروز سه شنبه 5/11/89 ساعت 12 شب، زمان تعویض شیفت های کاری دو و سه ایران خودرو، در لحظه ای که صدها نفر از کارگران شیفت 3 برای حاضر شدن در سر کار از تونل زیر گذر جاده مخصوص کرج واقع در چهار راه ایران خودرو قصد ورود به محوطه ایران خودرو را داشتند، در این لحظه ناگهان یک خودرو تریلر بارکش که ظاهرا ترمز بریده و قادر به توقف نبود به طرز وحشتناکی تعدادی از کارگران زحمتکش ایران خودرو در زیر چرخهایش له شده و در دم جان باختند.

در این حادثه ناگوار تاکنون 9 نفر از کارگران جان باخته و تعدادی دیگر از مجروحین در بیمارستان بستری شده اند. کارگران شیفت 3 با دیدن صحنه مرگ دردناک و فجیع هم سرنوشتان خود به خشم آمده و به جای حاضر شدن بر سر کار بطور دسته جمعی و با اتحاد کوبنده خود و با سر دادن شعارهای ضد حکومتی مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای و شنبه کار، جمعه کار، عاشورا کار و اربعین کار و ... محوطه داخلی و ساختمانهای ایران خودرو را به اشغال خود در آورده و شیشه ساختمانها را نیز شکستند. کارگران با تعطیل نمودن کار در خیابان اصلی ایران خودرو دست به تجمع اعتراضی زدند. به دنبال اعتراضات ضد حکومتی کارگران و بنا به درخواست حراست و مدیران اوباش ایران خودرو در نیمه های شب گذشته صدها موتور سوار مسلح اوباش بسیجی و پاسدار

هم اکنون ساعت 4 عصر چهار راه ایران خودرو واقع

**اعدام قتل عمد دولتی است! اعدام  
اسم دولتی آدمکشی است! حکومت  
اعدام باید سرنگون شود!**

**29 ژانویه فرصتی دیگر برای  
اعتراض علیه اعدام و حکومت  
اسلامی اعدام است. همه جا برای  
لغو مجازات اعدام اعتراض کنید!**

**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

**سرنگون باد جمهوری اسلامی!**